

راه و راه‌نمای عبادت عالیات

(ویژه روحانیون و مداحان کاروان‌ها)

(۲)

نجف اشرف

آستان مقدس علوی

داود حسینی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست

۱۱.....	دیباچه
۱۳.....	مقدمه
۱۷.....	فصل اول: فضایل، زیارت، سخنان و کرامات امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small>
۱۷.....	فضایل امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small>
۱۸.....	۱. طلب خشنودی خدا و پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small>
۱۹.....	۲. عدالت خواهی و عدالت محوری
۲۰.....	۳. همدلی و همدردی با درماندگان
۲۱.....	۴. کار و تلاش
۲۲.....	۵. ساده زیستی
۲۳.....	۶. عبادت و طریق بندگی
۲۳.....	زیارت امیرالمؤمنین علی <small>علیه السلام</small>
۲۳.....	۱. زیارت امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small> از سوی معصومین <small>علیهم السلام</small>
۲۵.....	۲. سفارش به زیارت امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small>

۳. پاداش زیارت امیر المؤمنین علیه السلام ۲۷
- الف) حج و عمره مقبول ۲۷
- ب) پاداش بهشت ۲۸
- ج) نجات از هراس روز قیامت ۲۸
- د) حل مشکلات و برآورده شدن حاجات ۲۸
- هـ) نجات از آتش ۲۹
- و) زیارت پیاده امیر المؤمنین علیه السلام ۲۹
۴. اوقات مخصوص زیارت امیر المؤمنین علی علیه السلام ۳۰
- سخنان کوتاه از امیر المؤمنین علیه السلام ۳۱
- کراماتی از امیر المؤمنین علیه السلام ۳۵
- فصل دوم: آستان مقدس علوی ۳۹**
- آشکار شدن قبر حضرت امیر المؤمنین علیه السلام ۳۹
- تاریخچه بنای حرم امام علی علیه السلام ۴۱
- اماکن معروف داخل حرم امام علی علیه السلام ۴۳
۱. مدفن حضرت آدم و حضرت نوح علیهم السلام ۴۳
۲. رأس الحسین علیه السلام ۴۵
۳. جای دو انگشت امام علی علیه السلام ۴۶
۴. ستارگان حرم علوی ۴۹
- یک - علامه حلی (۶۴۸-۷۲۶ق) مدفون در راهروی کناری گلدسته شمالی ۵۱
- دو - مقدس اردبیلی (م ۹۹۳ق) مدفون در ایوان طلا، مناره جنوبی ۵۴
- سه - شیخ مرتضی انصاری (۱۲۱۴ - ۱۲۸۱ ق) مدفون در حجره شماره ۱۱ ۵۵



- چهار - میرزای شیرازی (۱۲۳۰ - ۱۳۱۲ ق) مدفون در حجره قبل از راهروی طوسی..... ۵۵
- پنج - محمدکاظم خراسانی (۱۲۵۵ - ۱۳۲۹ ق) مدفون در حجره شماره ۲۶..... ۵۶
- شش - سیدابوالحسن اصفهانی (۱۲۸۴ - ۱۳۶۵ ق) مدفون در حجره شماره ۲۶..... ۵۷
- هفت - محدث نوری (۱۲۵۴-۱۳۲۰ ق) مدفون در حجره شماره ۱۵..... ۵۸
- هشت - محدث قمی (۱۲۹۴ - ۱۳۵۹ ق) مدفون در حجره شماره ۱۵..... ۵۹
- نه - محمدحسین غروی اصفهانی (۱۲۹۶ - ۱۳۶۱) مدفون در زیر گلدسته شمالی..... ۶۰
- ده - سیدمصطفی خمینی (۱۳۰۹-۱۳۵۶ ش) مدفون در زیر گلدسته شمالی..... ۶۱
- یازده - سیدابوالقاسم خوبی (۱۲۷۸ - ۱۳۷۱ ق) مدفون در حجره شماره ۳۱..... ۶۲
- دوازده - سایر علمای مدفون در حرم امیر المؤمنین ع..... ۶۶
- ستارگان مدفون در بیرون از حرم امیر المؤمنین ع..... ۶۸
- یک- شیخ طوسی (۳۸۵ ق - ۴۶۰ ق)..... ۶۸
- دو- سیدمحمد مهدی بحر العلوم (۱۱۵۵-۱۲۱۲ ق)..... ۶۹
- سه- محمدحسن نجفی (صاحب جواهر) (۱۲۶۴ - ۱۳۴۵ ق)..... ۶۹
- چهار- علامه آمینی (۱۳۲۲ - ۱۳۹۰ ق)..... ۷۰
۵. مقبره حاکمان و دولتمردان..... ۷۰
- یک- مقبره حاکمان و دولتمردان آل بویه (قرن چهارم)..... ۷۰
- دو- مقبره حاکمان و دولتمردان از آل حمدان..... ۷۱
- سه- مقبره حاکمان و دولتمردان از ایلخانان و تیموریان..... ۷۱
- چهار- مقبره پادشاهان و رجال قاجاریه..... ۷۱
- فصل سوم: اماکن مقدس نجف..... ۷۳**
۱. قبرستان وادی السلام..... ۷۳

- الف) ویژگی‌های وادی السلام..... ۷۳
- یک - انتقال ارواح مؤمنین به آن ۷۳
- دو- برداشته شدن عذاب و سؤال و جواب ۷۶
- سه - پرواز ارواح مؤمنین از وادی السلام ۷۷
- ب) زیارتگاه‌های وادی السلام..... ۷۸
- یک - قبر حضرت هود و حضرت صالح علیهم‌السلام ۷۸
- دو- مقام امام صادق علیه‌السلام ۸۲
- سه - مقام صاحب الزمان عجل‌الله‌فرجه ۸۴
- چهار - قبور علما و مشاهیر مدفون در وادی السلام..... ۸۵
- ج) شیوه زیارت اهل قبور..... ۸۹
- یک- سلام کردن ۸۹
- دو- تلاوت هفت بار سوره قدر..... ۸۹
- سه- تلاوت یازده بار سوره توحید..... ۹۰
- چهار- خواندن آیه الكرسي ۹۰
- پنج- خواندن سوره «یس»..... ۹۰
- شش- خواندن دعا ۹۱
- د) رفتارهای خرافی در وادی السلام..... ۹۱
۲. صافی الصفا..... ۹۲
۳. مقام امام زین العابدین علیه‌السلام ۹۴
۴. مساجد معروف نجف ۹۵
- الف) مسجد حنانه ۹۵



- ب) مسجد عمران بن شاهین ۹۸
- ج) مسجد الخُضراء ۹۹
- د) مسجد الرأس (بالاسر) ۹۹
- ه) مسجد شیخ مرتضیٰ انصاری ۱۰۰
۵. قبور اصحاب امیر المؤمنین علیهم السلام ۱۰۰
- الف) مرقد کُمیل بن زیاد ۱۰۰
- ب) سهل بن حُنَیف ۱۰۴
- ج) عثمان بن حُنَیف ۱۰۴
- د) عبیدالله بن ابی رافع ۱۰۵
- ه) خُتَّاب بن ارت ۱۰۵
- و) رُشَید هَجْرَی ۱۰۵
- ز) قنبر ۱۰۶
- ح) عمرو بن حَمِق خُزاعی ۱۰۶
- ط) سُلَیم بن قَیس هلالی ۱۰۶
- ی) صعصعة بن صوحان ۱۰۷
- ۱۰۹ منابع

دیباچه

هر روزه خیل عظیمی از مشتاقان دیار عشق و محبت پای در رکاب می‌کنند و به سرزمین عراق جهت زیارت بهترین بندگان خدا مسافرت می‌نمایند و مشتاق درس‌آموزی از حوادث، شخصیت‌ها و اماکن آن هستند تا با ره توشه و میراث سفر معنوی خود در بازگشت به وطن خویش، راوی قریب و بصیر این اماکن باشند و آنچه را که با چشم دل دریافته، تحفه مشتاقان راه سازند.

از آنجا که این مسافران بیشتر در قالب کاروان‌های زیارتی اقدام به این سفر معنوی می‌کنند و معمولاً یک روحانی یا ذاکر اهل بیت علیهم‌السلام در جمع آنان حضور دارد که زائران را با فضای معنوی، اماکن، تاریخ و شخصیت بزرگان مدفون در اعتبار مقدس آشنا کند و تقویت بعد معنوی زائران را در این سفر عهده‌دار است، نیاز به آثاری که این راهنمایان راه را با دستی پر همراه زائران نماید امری ضروری و لازم است.

از این رو بر آن شدیم تا مجموعه آثاری مختصر تحت عنوان «راه و

راهنمای عتبات عالیات» برای روحانیون و مداحان کاروان‌های زیارتی اعتبار مقدس فراهم نماییم تا با همراه داشتن این آثار در این سفر معنوی سفر زائران را پر بار سازند.

این اثر با عنوان «راه و راهنمای عتبات عالیات (۲) نجف اشرف، آستان مقدس علوی» با بهره‌گیری از منابع و مآخذ و به‌گزینی اطلاعات لازم را در اختیار روحانیون و مداحان کاروان‌های عتبات عالیات قرار می‌دهد؛ ضمن تشکر از محقق ارجمند آقای حجت الاسلام والمسلمین داود حسینی و تشکر صمیمانه از زحمات مرحوم حجت الاسلام و المسلمین آقای نجفی روحانی رحمته‌الله و حجت الاسلام و المسلمین آقای محمدحسین عسکری که نظارت بر این اثر را بر عهده داشتند، امیدواریم مخاطبان گرامی (روحانیون و مداحان کاروان‌ها) با مطالعه این اثر یافته‌های زیارت را تعمیق ببخشند و زیارتی عالمانه و عارفانه برای زائران فراهم سازند.

انه ولی التوفیق

پژوهشکده حج و زیارت

گروه اخلاق و اسرار

مقدمه

نجف از شهرهای قدیمی عراق است که وجود مرقد مطهر امام علی علیه السلام در آن، این شهر را برای شیعیان جهان بسیار حایز اهمیت کرده است. شهر مقدس نجف در حاشیه فلات غربی عراق و در جنوب غربی بغداد واقع شده است و فاصله آن تا بغداد ۱۶۰ کیلومتر است. در هشتاد کیلومتری سمت شمال و شمال شرقی آن، شهر کربلا، و سمت شرق آن شهر کوفه است که فاصله آن تا نجف حدود ده کیلومتر است. درباره نامگذاری نجف دیدگاه‌های مختلفی ذکر شده است. برخی گفته‌اند نجف در زبان عربی به معنای مکان مستطیل محصور و بلندی است که آب نمی‌تواند آن را فراگیرد و جمع آن (نجاف) است.^۱ برخی نیز معنای نجف را «تل» یا «تپه» ذکر کرده‌اند. یاقوت حموی در معجم البلدان می‌گوید: «نجف نام شهری در پشت شهر کوفه است که همانند تپه‌ای جلوی سیل را گرفته و اجازه نمی‌دهد سیل به سوی شهر

کوفه سرازیر شود.^۱

نجف نام‌های دیگری دارد که «عُری» و «مشهد» متداول‌تراند. «عُری» جایی در جاهلیت بود که در آن قربانی می‌کردند و «عُریان» نام دو بنای صومعه‌مانند بود که نزدیک قبر حضرت علی علیه السلام قرار داشت. نجف، به مکان مستطیل‌شکلی اطلاق می‌شود که از اراضی اطراف خود بلندتر است و همیشه آب در اطراف آن جمع می‌شود؛ ولی هیچ‌گاه به بالای آن نمی‌رسد.^۲

کلمه نجف از دو واژه عربی «نی» و «جَفَّ» تشکیل شده است؛ «نی» نام دریاچه‌ای قدیمی نزدیک کوفه بوده که وسعت زیادی داشته و مشهور به «النی» بوده است.^۳ واژه جف هم به معنای خشک و خشک شده است.^۴ این شهر را به سبب آنکه با خشک شدن دریای نی، پدیدار گشت، «نی‌جف» و «النی‌جف» نامیدند و این اسامی به مرور زمان و در زبان محاوره‌ای به نام «نجف» تغییر شکل یافته‌اند.^۵

برخی می‌پندارند که محل کنونی نجف پیش‌تر کوه بلندی بوده و فرزند حضرت نوح علیه السلام که گفت: «سَآوِي إِلَى جَبَلٍ يَعْصِمُنِي مِنَ الْمَاءِ»^۶ «به سوی کوهی پناه می‌برم که مرا از طوفان نجات خواهد

۱. یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۵، ص ۲۷۱.

۲. خلیلی، موسوعة النجف الاشرف، ص ۱۵۷.

۳. ماهر، مشهد امام علی فی النجف و ما به الهدایا و التحف، ص ۸۷.

۴. معین، فرهنگ فارسی، ذیل واژه جف.

۵. آل محبوبه، ماضی النجف و حاضرها، ج ۱، ص ۹.

۶. هود: ۴۳.

داد»، منظورش همین کوه بود که بعدها به فرمان الهی کوه از بین رفته و به صورت تپه‌ای درآمده است.^۱

پس از دفن شبانه علی علیه السلام در نیمه شب ۲۱ ماه مبارک رمضان سال ۴۰ هجری در صحرای پشت کوفه^۲، این سرزمین مهبط ملائکه گردید.^۳ پس از آشکار شدن مرقد امام علی علیه السلام تمایل دوست‌داران اهل بیت علیهم السلام به سکونت در جوار امیرالمؤمنین علیه السلام باعث شکل‌گیری شهر نجف شد.^۴ فضایل فراوانی برای سرزمین نجف نقل کرده‌اند. امام امیرالمؤمنین علیه السلام پشت کوفه (نجف) را اول مکانی که در آن خدا عبادت شده، معرفی کرد؛ زیرا در آنجا ملائکه به فرمان خداوند آدم علیه السلام را سجده کردند.^۵ روایت شده است که هفتاد هزار شهید از این سرزمین بدون حساب محشور می‌شوند.^۶ امیرالمؤمنین علیه السلام از خدا خواست قبر او را در این سرزمین قرار دهد.^۷

همچنین هر مؤمنی آرزوی زیارت این سرزمین و زندگی و دفن شدن در آن را دارد؛ زیرا بنا به گفته روایات، هر کس در این سرزمین مدفون شود، از عذاب قبر در امان است. امروزه این شهر یکی از شهرهای

۱. ماضی النجف و حاضرها، ج ۱، ص ۹.

۲. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۵۶ و ج ۲، ص ۴۸۴.

۳. ابن طاووس، فرحة الغری، ص ۹۶.

۴. میرفان، گلپف و شاتلار، النجف، ص ۴۵.

۵. عیاشی، تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۳۴.

۶. فرحة الغری، ص ۶۷.

۷. الکافی، ج ۴، ص ۵۸۶.

زیارتی جهان اسلام است که ارادتمندان به امیرالمؤمنین علیه السلام، از سراسر دنیا، به این شهر سفر می‌کنند تا از وجود بابرکت علی علیه السلام بهره گیرند و جان خود را با عطر ولایت مولا علی علیه السلام معطر سازند.

فصل اول: فضایل، زیارت، سخنان و کرامات امیرالمؤمنین علیه السلام

فضایل امیرالمؤمنین علیه السلام

امام علی علیه السلام الگوی کامل زندگی اسلامی است؛ زیرا او تربیت یافته رسول خدا صلی الله علیه و آله بود؛ چنان که خود فرمود:

يَا كُمْيَلُ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله أَدَّبَهُ اللَّهُ وَ هُوَ أَدَّبَنِي وَ أَنَا أُدِّبُ
الْمُؤْمِنِينَ^۱.

ای کمیل، خداوند رسول خدا صلی الله علیه و آله را تربیت کرد و رسول خدا صلی الله علیه و آله مرا تربیت کرد و من مؤمنین را تربیت می کنم.

آن حضرت جامع فضایل بود. فهرست فضایل امیرالمؤمنین علیه السلام همه تجلی بخش صفات و اسمای الهی است. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در بیان برخی فضایل ایشان فرموده است: «هر که می خواهد به آدم و علم او و نوح و تقوای او و ابراهیم و بردباری او و موسی و هیبت او و عیسی و عبادت

او بنگرد، به علی بن ابی طالب علیه السلام بنگرد».^۱

ابی کهمس می گوید:

به حضرت صادق علیه السلام عرض کردم: «عبدالله بن ابی یعفور بر شما سلام فرستاد». حضرت فرمود: «بر تو و بر او درود باد؛ وقتی نزد او برگشتی سلام مرا به او برسان و بگو جعفر بن محمد گفت: نیک بنگر هر آن ویژگی که باعث شد تا علی علیه السلام به آن مقام بلند نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله برسد، خود را ملازم آن خصلت نما و یقین بدان هر مقامی که علی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله یافت تنها و تنها به خاطر راستگویی و امانتداری بود.^۲

در اینجا به گوشه‌ای از سیره فردی و اجتماعی علی علیه السلام اشاره

می‌کنیم:

۱. طلب خشنودی خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله

حضرت صادق علیه السلام فرمود:

به خدا سوگند علی بن ابی طالب علیه السلام تا روزی که از این دنیا رفت مال حرامی نخورد و هیچ‌گاه بر سر دو راهی - که هر دو راه مورد خشنودی خدا باشد - قرار نگرفت مگر اینکه پرزحمت‌ترین آنها را برگزید و هر حادثه مهمی که برای پیامبر خدا صلی الله علیه و آله پیش می‌آمد از علی علیه السلام کمک می‌گرفت. میان این امت هیچ کس نتوانست همانند

۱. دیلمی، /ارشاد القلوب، ص ۲۱۷.

۲. کلینی، /الکافی، ج ۲، ص ۱۰۴.

علی علیه السلام راه پیامبر را - بی کم و کاست - طی کند و با این همه تلاش و کوشش، همواره چون بیمناکان کار می کرد؛ چشمی به بهشت و چشم دیگر بر آتش داشت؛ از سویی امیدوار پاداش بهشت و از سوی دیگر هراسناک از کیفر آتش بود.^۱

ابن عباس نیز درباره طالب رضای حق بودن ایشان می گوید: «علی علیه السلام در تمامی کارهای خود همواره در پی رضایت الهی بود و به همین جهت مرتضی نامیده شد».^۲

۲. عدالت خواهی و عدالت محوری

از دیگر سیاست های راهبردی امام علی علیه السلام در سبک زندگی ایشان عدالت خواهی و عدالت محوری است. همین موضوع نیز بسیاری را از وی و حکومتش دور کرد؛ زیرا اجرای عدالت در حق خود و خویشان بسیار سخت و دشوار است. این در حالی است که آموزه های اسلامی تأکید دارد که عدالت را حتی در حق دشمنان چنان اجرا کنید که به وی ظلمی روا نشود و به خاطر خویشان و دوستی با افراد از عدالت عدول نکنید.^۳ سیاست های عدالتی امیر مؤمنان علیه السلام بر بی تقوایان سخت می آمد؛ زیرا از نظر قرآن عدالت نزدیک ترین حالت به تقوای الهی است.^۴ در روایت است آن گاه که به حضرت امیر، به دلیل رعایت مساوات در

۱. مفید، الارشاد، ص ۲۵۵.

۲. ابن شهر آشوب، المناقب، ج ۳، ص ۱۱۰.

۳. مائده: ۸؛ انعام: ۱۵۲.

۴. همان.

تقسیم بیت‌المال اعتراض کردند، فرمود:

آیا به من امر می‌کنید و اصرار می‌ورزید تا پیروزی را به بهای ستم بر کسانی که مسئولیت سرپرستی آنها بر دوشم نهاده شده است به دست آورم؟ به خدا سوگند که تا روزگار در گردش است و ستارگان آسمان در پی هم حرکت می‌کنند، چنین کار ناروایی نخواهم کرد. اگر این مال، ثروت شخصی من بود در تقسیم آن مساوات را رعایت می‌کردم؛ چه رسد به اینکه مال، مال الله است.^۱

آن امام را تندیس عدالت می‌گویند؛ چنان که خود می‌فرماید:
به خدا سوگند اگر اقلیم‌های هفت گانه زمین را با هر چه زیر آسمان آنهاست به من دهند تا خدا را در حد گرفتن پوست جوی از دهان موری نافرمانی کنم، نخواهم کرد؛ چرا که این دنیای شما نزد من از برگ نیم‌جویده‌ای در دهان ملخی ناچیزتر است. علی را با نعمت‌های فناپذیر و لذت‌های گذرا و ناپایدار چه کار!^۲

۳. همدلی و همدردی با درماندگان

در شیوه حکومت، سیاست مردمی و جانبداری از مظلومان و محرومان از اصول کلی زمامداری امیر مؤمنان علیه السلام بود. ایشان با همدلی و همدردی با مردم بر آن بود تا حق و عدالت را اجرا کند؛ زیرا با چنین

۱. نهج‌البلاغه، خطبه ۱۲۴.

۲. همان، خطبه ۲۲۲.

سیاستی است که می‌توان مردم را در جایگاه کرامت و شرافت خودشان قرار داد. آن حضرت علیه السلام مردم را دوست داشت، مردم هم او را دوست داشتند. پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله به این ویژگی امام علی علیه السلام به عنوان یک عطای الهی اشاره کرد و فرمود:

یا علی، خدای متعال تو را چنین قرار داده که بینوایان را دوست بداری و آنان را به عنوان پیروان خویش بپسندی و آنان هم تو را به پیشوایی و امامت بپسندند.^۱

۴. کار و تلاش

حضرت علی علیه السلام با توجه به موقعیت‌های زندگی، کاری را انجام می‌داد که نیاز جامعه بدان بود و امکانش برایش فراهم بود. ایشان به حکم قرآن به آبادانی زمین می‌پرداخت.^۲ امام صادق علیه السلام درباره کار و تلاش آن حضرت علیه السلام فرموده است:

گاهی امیر المؤمنین علیه السلام به سوی صحرا می‌رفت و همراه خود باری از هسته خرما می‌برد. وقتی سؤال می‌شد این چیست که به همراه داری، می‌فرمود: «هر دانه از اینها یک نخل است ان شاء الله». آن گاه می‌رفت و همه آنها را می‌کاشت و دانه‌ای از آنها را نمی‌خورد.^۳

آن حضرت علیه السلام زندگی‌اش را از راه کار و تلاش تأمین می‌کرد و خود

۱. ابو نعیم اصفهانی، حلیة الاولیاء، ج ۱، ص ۷۱.

۲. هود: ۶۱.

۳. کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۷۵.

را وابسته به بیت‌المال نمی‌کرد؛ بلکه چنان بود که دیگران نیز از کار و تلاش وی بهره‌مند می‌شدند. خود آن حضرت می‌فرمود: «ای مردم کوفه اگر مرا دیدید با اندوخته‌ای بیشتر از وسایل شخصی زندگی و مرکب و غلام خود از نزد شما برگشتم، بدانید که خائن بوده‌ام».^۱ آن حضرت در مدت حکومت، از بیت‌المال مصرف نمی‌کرد و هزینه زندگی او از زمین‌های کشاورزی، که در ینبع داشت، تأمین می‌شد.

۵. ساده‌زیستی

حضرت علی علیه السلام با آنکه از کار و تلاش خویش در زمین‌ها و نخلستان‌ها درآمد خوبی داشت، همه آنها را در راه خدا انفاق می‌کرد و خود بهره‌ای نمی‌برد. در دوران عزلت از سیاست و در اوج قدرت یکسان زیست و تفاوتی در زندگی‌اش پدید نیامد و به سوی تجملات نرفت و به کمترین چیزها قناعت می‌کرد و بسیار ساده‌می‌زیست. حضرت خود در این باره فرموده است:

به خدا سوگند تن‌پوش خود را چندان وصله کرده‌ام که از وصله‌کننده‌اش شرم دارم. روزی گوینده‌ای به من گفت: «آیا زمان دور افکندن آن فرا نرسیده است؟» و من گفتم: «دور شو که هنگام بامداد از مردم شب‌رو سپاسگزاری می‌شود» (از این رنج من در آینده تمجید می‌شود).

امیر المؤمنین علیه السلام پنج سال حکومت کرد و در طول این مدت آجری

بر آجر و خشتی روی خشت نهاد و زمینی را به خود اختصاص نداد و درهم سفید و دینار سرخی به ارث گذاشت.^۱

۶. عبادت و طریق بندگی

حضرت صادق علیه السلام فرمود: «حضرت امیر المؤمنین به هنگام وضو گرفتن اجازه نمی داد کسی برایش آب بریزد و می فرمود: دوست ندارم در نماز به درگاه خدا کسی را شریک قرار دهم».^۲

در تفسیر قشیری آمده است:

هرگاه وقت ادای نماز می رسید، رنگ چهره امیر المؤمنین علیه السلام تغییر می یافت و بر خود می لرزید. وقتی به او می گفتند: این چه حالت است؟ می فرمود: «هنگام ادای امانتی رسیده است که بر آسمان ها و زمین و کوه ها عرضه شد و آنها از حمل آن سرباز زدند و انسان این بار امانت را برداشت».^۳

زیارت امیر المؤمنین علی علیه السلام

۱. زیارت امیر المؤمنین علیه السلام از سوی معصومین علیهم السلام

میان امامان معصوم علیهم السلام تنها امیرالمؤمنین علیه السلام است که سایر معصومین فرصت زیارت ایشان را پیدا کرده اند.

۱. ابن شهر آشوب، المناقب، ج ۲، ص ۹۵.

۲. شیخ صدوق، علل الشرایع، ج ۱، ص ۳۲۳.

۳. المناقب، ج ۲، ص ۱۲۴.

جابر بن یزید جُعیفی از امام باقر علیه السلام روایت می کند که فرمود:

مَضَى أَبِي إِلَى قَبْرِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ بِالْمَجَازِ وَهُوَ مِنْ نَاحِيَةِ الْكُوفَةِ فَوَقَفَ عَلَيْهِ
ثُمَّ بَكَى^۱.

پدرم امام سجاد علیه السلام [برای زیارت] قبر امیر المؤمنین علیه السلام، به مجاز
که ناحیه‌ای از کوفه است، رفتند. سپس بر قبر ایشان توقف کرد و
گریست و زیارت امین الله قرائت کرد.

همچنین صفوان جمال درباره زیارت قبر امیر المؤمنین علیه السلام توسط
امام صادق علیه السلام می گوید: هنگامی که با امام صادق علیه السلام به کوفه آمدم تا
نزد منصور عباسی برویم، (به نقطه‌ای نزدیک کوفه رسیدیم) حضرت به
من فرمودند:

يَا صَفْوَانَ أَنْخِ الرَّاحِلَةَ فَهَذَا قَبْرُ جَدِّي أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام فَأَنْخِطْهَا ثُمَّ نَزَلْ
فَاغْتَسِلْ وَغَيِّرْ ثَوْبَهُ وَتَخَفَى وَقَالَ لِي افْعَلْ كَمَا افْعَلْتُ ثُمَّ أَخَذَ نَحْوَ
الذُّكُورَاتِ ثُمَّ قَالَ لِي فَصَّرْ حُطَاكَ وَالَّتِي دَقَنْكَ إِلَى الْأَرْضِ يُكْتَبُ لَكَ
بِكُلِّ خُطْوَةٍ مِائَةٌ أَلْفٍ حَسَنَةٍ وَتُمْحَى عَنْكَ مِائَةٌ أَلْفٍ سَيِّئَةٍ وَتُرْفَعُ لَكَ
مِائَةٌ أَلْفٍ دَرَجَةٍ وَتُقْضَى لَكَ مِائَةٌ أَلْفٍ حَاجَةٍ وَيُكْتَبُ لَكَ ثَوَابُ كُلِّ
صَدِّيقٍ وَشَهِيدٍ مَاتَ أَوْ قُتِلَ^۲.

ای صفوان، شتران را اینجا بخوابان، این قبر جدم امیر المؤمنین علیه السلام
است. سپس حضرت پیاده شد و غسل کرد و لباس عوض نمود و
کفش‌ها را از پا در آورد و به من نیز فرمود مانند ایشان عمل کنم.

۱. ابن طاووس، فرحة الغری، ص ۹۳.

۲. حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۳۹۳.

سپس به طرف تپه‌های سفیدرنگ حرکت کرد و به من فرمود:
 «قدم‌هایت را کوتاه بردار و سرت را به زیر بینداز؛ با هر قدمی برای
 تو صد هزار حسنه نوشته می‌شود و صد هزار گناهت محو می‌شود و
 صد هزار درجه بالا می‌روی و صد هزار حاجت برآورده می‌شود و
 ثواب هر صدیق و شهیدی که فوت شده یا به شهادت رسیده برای
 تو نوشته می‌شود».

از دیگر معصومین که به زیارت امیر المؤمنین علیه السلام مشرف شده است
 امام هادی علیه السلام است. امام حسن عسکری علیه السلام از پدرش امام هادی علیه السلام
 روایت می‌کند که فرمود:

زار بها يوم غدیر فی السنۃ الّتی أشخصه فیها المعتمم و هی: السّلام
 علی رسول اللّٰه خاتم النّبیین؛ إلی آخرها.^۱

پدرم (امام هادی علیه السلام) قبر امیر المؤمنین علیه السلام را به کوفه در روز
 غدیر سالی که معتمم ایشان را احضار کرده بود زیارت کرد و این
 زیارتنامه را قرائت کرد: «السّلام علی رسول اللّٰه خاتم النّبیین؛ إلی
 آخرها».

این زیارتنامه به زیارت امیر المؤمنین علیه السلام در روز غدیر معروف
 است.

۲. سفارش به زیارت امیر المؤمنین علیه السلام

ابی‌وهب بصری می‌گوید: داخل مدینه رفتم، نزد امام صادق علیه السلام

۱. ثقفی، الغارات، ج ۲، ص ۸۶۰.

مشرّف شدم و محضرش عرضه داشتیم: «فدايت شوم خدمت شما رسيدم ولی به زیارت قبر امیرالمؤمنین علیه السلام نرفته‌ام». حضرت فرمودند:

قَالَ بئس ما صنعت لو لا أنك من شيعتنا ما نظرت إليك ألا تزور من يزوره الله تعالى مع الملائكة و يزوره الأنبياء مع المؤمنين أو يزوره المؤمنون [قلت جعلت فداك ما علمت ذلك قال فاعلم أن أمير المؤمنين عليه السلام أفضل عند الله من الأئمة كلهم و له ثواب أعمالهم و على قدر أعمالهم فضلوا^۱.

بد کاری کردی. اگر از شیعیان ما نبودی به تو نگاه نمی کردم! چرا کسی را که خداوند با فرشتگانش زیارتش می کنند و انبیا و مؤمنین زیارتش می نمایند زیارت نکردی؟

عرض کردم: «فدايت شوم به اين امر واقف نبودم». حضرت فرمودند:

بدان که امیرالمؤمنین علیه السلام نزد حق تعالی از تمام ائمه علیهم السلام افضل و برتر بوده و ثواب اعمال ایشان برای آن حضرت منظور می شود (یعنی غیر از اینکه در قبال اعمال خود آن جناب حق تعالی ثواب لحاظ می کند، اعمال ائمه هدی علیهم السلام نیز موجب حصول ثواب برای حضرتش است) و فضیلت ایشان به قدر اعمالشان است.

در روایتی دیگر امام صادق علیه السلام درباره ترک زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

مَنْ تَرَكَ زِيَارَةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام لَمْ يَنْظُرِ اللَّهُ تَعَالَى إِلَيْهِ أَلَا تَزُورُونَ مَنْ

تَزُورُهُ الْمَلَائِكَةُ وَالنَّبِيُّونَ إِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام أَفْضَلُ مِنْ كُلِّ الْأَئِمَّةِ وَ لَهُ
مِثْلُ ثَوَابِ أَعْمَاهُمْ وَ عَلَى قَدْرِ أَعْمَاهُمْ فَضْلُوا.^۱

کسی که زیارت امیر المؤمنین علیه السلام را ترک کند خدای تعالی به او نظر نمی کند. چرا کسی را که فرشتگان و پیامبران زیارتش می کنند، زیارت نمی کنید؟ به تحقیق امیرالمؤمنین علیه السلام برتر از همه ائمه است و برای او برابر ثواب اعمال ائمه پاداش است و ائمه به اندازه اعمالشان فضیلت داده شده اند.

صفوان مهران می گوید: «از امام صادق علیه السلام سؤال کردم

امیر المؤمنین علیه السلام را چگونه زیارت کنیم؟ فرمود:

یا صفوان هر گاه خواستی امیر المؤمنین علیه السلام را زیارت کنی غسل کن و لباس پاکیزه بپوش و به خود عطر بزن و هنگامی که به درگاه رسیدی اذن دخول بخوان و سپس وارد صحن شو و زیارت آن حضرت را با دستورات خاصش قرائت کن.^۲

۳. پاداش زیارت امیر المؤمنین علیه السلام

در روایات برای زیارت امیر المؤمنین علیه السلام آثار زیادی بیان شده است:

الف) حج و عمره مقبول

امام موسی کاظم علیه السلام فرمود:

۱. مفید، المقنعة، ص ۴۶۱.

۲. شهید اول، المزار، ص ۳۲-۵۴.

مَنْ زَارَ جَدِّي عَارِفًا بِحَقِّهِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ حَجَّةً مَقْبُولَةً وَ عُمْرَةً مَبْرُورَةً.^۱

هر کس جدم را با شناخت نسبت به حق او زیارت کند، خداوند به ازای هر قدمی، حجی مقبول و عمره‌ای پذیرفته شده برای او می‌نویسد.

(ب) پاداش بهشت

پیامبر ﷺ فرمودند: «مَنْ زَارَ عَلِيًّا بَعْدَ وَفَاتِهِ فَلَهُ الْجَنَّةُ»؛^۲ «هر کس علی را بعد از وفاتش زیارت کند، پاداشش بهشت است».

(ج) نجات از هراس روز قیامت

رسول خدا ﷺ فرمودند:

يَا عَلِيُّ مَنْ زَارَكَ فِي حَيَاتِكَ أَوْ بَعْدَ مَوْتِكَ صَمِنْتُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَنْ أُخْلَصَهُ مِنْ أَهْوَالِهَا وَ شِدَائِدِهَا حَتَّى أُصِيرَهُ مَعِيَ فِي دَرَجَتِي.^۳

یا علی، کسی که زیارت کند تو را در حال حیات و پس از آن من ضامنم که در روز قیامت او را از وحشت‌ها و سختی‌های آن روز برهانم تا جایی که در درجه و مقام با خودم قرارش دهم.

(د) حل مشکلات و برآورده شدن حاجات

امام صادق علیه السلام فرمودند:

۱. طوسی، التهذیب، ج ۶، ص ۲۱.

۲. حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۳۷۹.

۳. ابن قولویه، کامل الزیارات، ص ۱۱.

إِنَّ إِلَىٰ جَانِبِ كُوفَانَ قَبْرًا مَا آتَاهُ مَكْرُوبٌ قَطُّ فَصَلَّىٰ عِنْدَهُ رَكَعَتَيْنِ أَوْ
أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ إِلَّا نَفَسَ اللَّهُ كَرْبَهُ وَوَقَّضَىٰ حَاجَتَهُ.^۱

در اطراف کوفه قبری است که هرگز گرفتاری آنجا نمی‌رود که
دو یا چهار رکعت نماز نزد قبر بگزارد، مگر آنکه خداوند
گرفتاری‌اش را برطرف نموده و حاجتش را برمی‌آورد.

هـ) نجات از آتش

امام رضا علیه السلام فرمود پدرم از پدرش روایت کرد که فرمود:

أَيُّنَ مَا كُنْتَ فَاحْضُرْ يَوْمَ الْغَدِيرِ عِنْدَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام فَإِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ
لِكُلِّ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ وَ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ ذُنُوبَ سِتِّينَ سَنَةً وَ يُعْتِقُ مِنَ
النَّارِ.^۲

هر کجا بودی روز غدیر نزد امیرالمؤمنین علیه السلام باش. خداوند برای
هر مرد و زن مؤمن و مرد و زن مسلم گناهان شصت سال را
می‌آمرزد و از آتش آزاد می‌کند.

و) زیارت پیاده امیرالمؤمنین علیه السلام

امام صادق علیه السلام فرمودند:

مَنْ زَارَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام مَاشِيًا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ حَجَّةً وَ عُمْرَةً
فَإِنْ رَجَعَ مَاشِيًا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ حَجَّتَيْنِ وَ عُمْرَتَيْنِ.^۳

۱. حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۳۷۸.

۲. طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۲۴؛ ثقفی، الغارات، ج ۲، ص ۸۵۸.

۳. حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۳۸۰.

کسی که با پای پیاده به زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام برود، خداوند با هر قدمی یک حج و عمره برایش می‌نویسد و اگر در بازگشت هم پیاده باشد، به ازای هر قدم خداوند دو حج و دو عمره برای او می‌نویسد.

۴. اوقات مخصوص زیارت امیر المؤمنین علی علیه السلام

زیارت مشاهد مشرفه از جمله مشهد امیرمؤمنان علی علیه السلام در هر زمان مناسب است، لکن نسبت به بعضی از زمان‌ها بیشتر سفارش شده است، مانند:

- آغاز خلافت ایشان؛ یعنی روز وفات پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (۲۸ صفر)
- شب اول ربیع الاول، شبی که حضرت علی علیه السلام در بستر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله خوابیدند
- روز فتح بصره (نیمه جمادی الاولی)
- روز تولد ایشان (۱۳ رجب)
- روز فتح خیبر (۲۴ رجب)
- شب و روز مبعث پیامبر صلی الله علیه و آله (۲۷ رجب)
- روز غزوه بدر (۱۷ ماه رمضان)
- روزی که بر دوش پیامبر صلی الله علیه و آله بالا رفت و بت‌ها را شکست (۲۰ رمضان)
- روز شهادت ایشان (۲۱ ماه رمضان)
- روز فداکاری ایشان در غزوه احد و روزی که خورشید به احترام ایشان بازگشت (۱۷ شوال)

- روزی که از طرف پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مأمور ابلاغ آیه برائت شد (اول ذی الحجّه)

- روزی که به امر خدا و ابلاغ پیامبر خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در خانه‌های دیگران به مسجد پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بسته شد و در خانه حضرت باز گذاشته شد (روز عرفه)
- شب و روز عید غدیر (۱۸ ذی الحجّه)

- روزی که آن حضرت انگشتر خویش را در حال نماز به فقیر داد که همان روز مباحله است و از دو جهت خصوصیت دارد (۲۴ ذی الحجّه)
- روز نزول سوره «هل اتی» (۲۵ ذی الحجّه)

- روزی که مردم برای خلافت ظاهری با حضرت بیعت کردند (۱۸ یا ۲۵ ذی الحجّه)

- روز اوّل فروردین (نوروز) که روز بیعت با ایشان، با این روز مصادف بوده است.^۱

سخنان کوتاه از امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ

۱. سؤال‌های روز قیامت

علی عَلَيْهِ السَّلَامُ از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ روایت کرد که فرمود:

لَا تَزُولُ قَدَمَا عَبْدٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَتَّى يُسْأَلَ عَنْ أَرْبَعٍ عَنْ عُمُرِهِ فِيهَا أَفْسَاهُ وَعَنْ
شَبَابِهِ فِيهَا أَبْلَاهُ وَعَنْ مَالِهِ مِنْ أَيْنَ اكْتَسَبَهُ وَفِيهَا أَنْفَقَهُ وَعَنْ حُبِّهَا أَهْلَ الْبَيْتِ.^۲

روز قیامت هیچ بنده‌ای قدم بر نمی‌دارد مگر آنکه از چهار چیز از

۱. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۹۷، ص ۳۸۳.

۲. شیخ صدوق، الخصال، ج ۱، ص ۲۵۳.

او سؤال می‌شود: از عمرش که در چه راهی به فنا داد؛ از جوانی‌اش که در چه راهی تمام کرد و از مالش که چگونه کسب کرد و در چه راهی خرج کرد و از دوستی ما خاندان اهل بیت.

۲. نشانه‌های بدبختی

ائمہ معصومین علیهم‌السلام از علی علیه‌السلام روایت کردند که حضرت از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم روایت کرد که فرمود:

يَا عَلِيُّ أَرْبَعُ خِصَالٍ مِنَ الشَّقَاءِ جُمُودُ الْعَيْنِ وَ قَسَاوَةُ الْقَلْبِ وَ بُعْدُ الْأَمَلِ
وَ حُبُّ الْبَقَاءِ.^۱

یا علی چهار ویژگی از نشانه‌های شقاوت است: خشک شدن اشک چشم، قساوت قلب (سنگدلی)، آرزوی دور و دراز و آرزوی جاودانگی.

۳. فاصله بین حق و باطل

میسر بن عبدالعزیز می‌گوید از امام باقر علیه‌السلام شنیدم که فرمود:

سُئِلَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه‌السلام كَمْ بَيْنَ الْحَقِّ وَالْبَاطِلِ فَقَالَ أَرْبَعُ أَصَابِعٍ وَ وَضَعَ
أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه‌السلام يَدَهُ عَلَى أُذُنِهِ وَ عَيْنَيْهِ فَقَالَ مَا رَأَيْتُهُ عَيْنَاكَ فَهُوَ الْحَقُّ وَ مَا
سَمِعْتَهُ أُذُنَاكَ فَأَكْثَرُهُ بَاطِلٌ.^۲

از امیر المؤمنین علی علیه‌السلام سؤال شد: «بین حق و باطل چقدر فاصله است؟» فرمود: «چهار انگشت». امیر المؤمنین علیه‌السلام دستش را (چهار انگشت) کنار چشم و گوش گذاشت، سپس فرمود: «آنچه را چشمانت دید حق است و آنچه را گوش‌هایت شنید اکثرش باطل است».

۱. شیخ صدوق، الخصال، ج ۱، ص ۲۴۳.

۲. همان، ص ۲۳۶.

۴. وصایای پروردگار عالم به حضرت موسی علیه السلام

حضرت امام علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود:

قَالَ اللهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لِمُوسَى علیه السلام يَا مُوسَى احْفَظْ وَصِيَّتِي لَكَ بِأَرْبَعَةِ أَشْيَاءَ أَوْلَهُنَّ مَا دُمْتَ لَا تَرَى ذُنُوبَكَ تُغْفَرُ فَلَا تَشْغَلْ بِعُيُوبِ غَيْرِكَ وَالثَّانِيَةُ مَا دُمْتَ لَا تَرَى كُنُوزِي قَدْ نَفَدَتْ فَلَا تَعْتَمَّ بِسَبَبِ رِزْقِكَ وَالثَّلَاثَةُ مَا دُمْتَ لَا تَرَى زَوَالَ مُلْكِي فَلَا تُرْجُ أَحَدًا غَيْرِي وَالرَّابِعَةُ مَا دُمْتَ لَا تَرَى الشَّيْطَانَ مَيِّمًا فَلَا تَأْمَنْ مَكْرَهُ^۱.

خدای تبارک و تعالی به موسی علیه السلام فرمود: سفارش من را در چهار چیز حفظ کن: اول تا زمانی که گناهان خود را آمرزیده ندیدی به عیوب دیگران مشغول نشو؛ دوم تا زمانی که گنج‌های من را پایان یافته ندیدی غم روزی مخور؛ سوم تا زمانی که سلطنت من را پایان یافته ندیدی به غیر من امید مبند و چهارم تا زمانی که شیطان را مرده ندیدی از مکر او ایمن باش.

۵. آنچه نمی‌دانیم

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

إِنَّ اللهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَخْفَى أَرْبَعَةً فِي أَرْبَعَةٍ رِضَاهُ فِي طَاعَتِهِ فَلَا تَسْتَصْغِرَنَّ شَيْئًا مِنْ طَاعَتِهِ فَرُبَّمَا وَافَقَ رِضَاهُ وَ أَنْتَ لَا تَعْلَمُ وَ أَخْفَى سَخَطُهُ فِي مَعْصِيَتِهِ فَلَا تَسْتَصْغِرَنَّ شَيْئًا مِنْ مَعْصِيَتِهِ فَرُبَّمَا وَافَقَ سَخَطُهُ مَعْصِيَتَهُ وَ أَنْتَ لَا تَعْلَمُ وَ أَخْفَى إِجَابَتَهُ فِي دَعْوَتِهِ فَلَا تَسْتَصْغِرَنَّ شَيْئًا مِنْ دُعَائِهِ فَرُبَّمَا وَافَقَ إِجَابَتَهُ وَ أَنْتَ لَا تَعْلَمُ وَ

أَخْفَىٰ وَلِيَّهُ فِي عِبَادِهِ فَلَا تَسْتَضْعِرَنَّ عَبْدًا مِنْ عِبِيدِ اللَّهِ فَرُبَّمَا يَكُونُ وَلِيَّهُ وَ
أَنْتَ لَا تَعْلَمُ.^۱

خداوند تبارک و تعالی چهار چیز را در چهار چیز مخفی کرده است: رضایتش را در طاعتش مخفی کرده است؛ هیچ طاعتی از خداوند را کوچک نشمار چه بسا موافق رضای او باشد و تو نمی دانی؛ نارضایتی اش را در معصیت خود قرار داده است. پس هیچ معصیتی را کوچک نشمار چه بسا موجب نارضایتی خداوند شود و تو نمی دانی؛ اجابتش را در دعایش قرار داده است. پس هیچ دعایی را کوچک نشمار چه بسا موافق اجابت باشد و تو نمی دانی؛ دوستانش را میان بندگانش مخفی کرده است. پس هیچ بنده‌ای از بندگان خدا را کوچک نشمار، چه بسا که از اولیای خدا باشد و تو نمی دانی.

۶. نشانه‌های اهل دین

امیر مؤمنان علی عَلَيْهِ السَّلَام می فرماید:

إِنَّ لِأَهْلِ الدِّينِ عَلَامَاتٍ يُعْرَفُونَ بِهَا صِدْقَ الْحَدِيثِ وَ أَدَاءَ الْأَمَانَةِ وَ وَفَاءَ
بِالْعَهْدِ وَ صِلَةَ لِلْأَرْحَامِ وَ رَحْمَةً لِلضُّعَفَاءِ وَ بَدَلَ الْمَعْرُوفِ وَ حُسْنَ الْخُلُقِ.^۲

برای افراد دیندار نشانه‌هایی است که به وسیله آنها شناخته شوند: راستگویی، گزاردن امانت، وفای به عهد، صله رحم، مهربانی به ناتوانان، نیکی کردن، خوش اخلاق بودن.

۱. شیخ صدوق، الخصال، ج ۱، ص ۲۰۹-۲۱۰.

۲. ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۲۱۲.

۷. زاهدین در دنیا

الزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا قَصْرُ الْأَمَلِ وَ شُكْرُ كُلِّ نِعْمَةٍ وَ الْوَرَعُ عَنْ كُلِّ مَا حَرَّمَ
الله.^۱

زهد در دنیا، کاستن از دامنه آرزوها و سپاسگزاری در برابر نعمت‌ها و خودداری از حرام‌هاست.

کراماتی از امیرالمؤمنین علیه السلام

برای امیرمؤمنان علی علیه السلام در کتب تاریخ و روایی کرامات و معجزات فراوانی نقل شده است که در اینجا به چند مورد آن به مناسبت اشاره می‌شود. امام علی علیه السلام ذیل خطبه‌ای فرمود: تا هنوز دستتان از دامن من کوتاه نشده هر چه می‌خواهید از من پرسید. سوگند به خدا از عده مردمی که صد نفر آنها گمراه کننده دیگران و صد نفرشان هدایت کننده آنان باشند، سؤال نکنید جز اینکه از خواننده و راهنمای آنها که تا فردای قیامت پایدارند اطلاع خواهم داد.

مردی همان وقت از جای برخاست پرسید: «بر سر و روی من چند تار موی روییده؟» علی علیه السلام فرمود: سوگند به خدا دوست من رسول خدا صلی الله علیه و آله از پرسش تو به من اطلاع داد و اضافه کرد همانا بر هر تار موی سر تو فرشته موکل است که تو را لعنت می‌کند و بر هر تار موی ریش تو شیطانی موکل است که اسباب سرگردانی و بیچارگی تو را فراهم می‌سازند و همانا در منزل تو بزرگاله‌ای است که فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله را می‌کشد و نشانه این

پیشامد صحت و درستی سخن من است و هر گاه پاسخ پرشش تو دشوار نبود از حقیقت آن تو را باخبر می ساختم. باز هم نشانه همان است که گفتم: فرشته و شیطان تو را لعنت می کنند.

در واقعه کربلا فرزند او قاتل امام حسین علیه السلام شد و قضیه چنان بود که علی علیه السلام خبر داده بود.^۱

در تاریخ نقل شده است که فرد سؤال کننده سعد وقاص بود که پرسش عمر سعد قاتل امام حسین علیه السلام شد.^۲

کسانی که سوسمار امامشان است

از اصبح بن نباته روایت شده که گفت: امیرالمؤمنین علیه السلام ما را به رفتن از کوفه به مداین امر فرمود. روز یکشنبه حرکت کردیم، عمرو بن حریث با هفت نفر دیگر تخلف کردند و به جایی در حیره که خورنق نامیده می شد رفتند و گفتند: در این بین تفریحی می کنیم و روز چهارشنبه حرکت می کنیم و پیش از آنکه حضرت اقامه جمعه کند به او ملحق می شویم. در یک نقطه که در حال غذا خوردن بودند سوسماری پیدا شد. به سوی او حمله کردند و او را شکار کردند. عمرو بن حریث آن را گرفت و دستش را نگه داشت و گفت بیایید با خلیفه بیعت کنید؛ این فرمانروای مؤمنان است و آن هفت نفر که با او بودند با سوسمار بیعت کردند و خود عمرو هشتمین نفر آنان با او بیعت کرد.

شب چهارشنبه حرکت کردند و روز جمعه هنگامی که علی علیه السلام خطبه

۱. مفید، الارشاد، ص ۳۲۱ - ۳۲۰.

۲. ابوالصلاح حلبی، تقریب المعارف، ص ۳۵۹.

می خواند به مداین وارد شدند و از یکدیگر جدا نشده بودند و همه با هم بودند که بر در مسجد فرود آمدند؛ چون داخل شدند امیرالمؤمنین علیه السلام نگاهی به آنها کرد و فرمود: ایها الناس، همانا پیغمبر صلی الله علیه و آله هزار حدیث سری به من فرمود که در هر حدیثی هزار در است و هر دری را هزار کلید است و من شنیدم خدای عزوجل می فرماید: «يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ»^۱ «روزی که هر عده‌ای را به امامشان می خوانیم» و من برای شما به خدا قسم یاد می کنم که هشت نفر روز قیامت مبعوث می شوند که با امامشان، که سوسماری است، خوانده می شوند و اگر می خواستم نامشان را می بردم. اصیغ بن نباته گفت: «عمرو بن حریث را دیدم که چون شاخه درخت خرما، از شرم و از ملامت امیرالمؤمنین علیه السلام بر زمین افتاد»^۲.

لطف علی علیه السلام به مقدس اردبیلی

علامه مجلسی از جماعتی نقل می کند که آنها از عالم بزرگوار، امیر علام، که از شاگردان برجسته محقق اردبیلی بود، نقل کردند که گفت: در یکی از حجره‌های صحن مطهر علی علیه السلام بودم، نیمه‌های شب شخصی را دیدم که به طرف مرقده مطهر علی علیه السلام می آمد. نزدیک رفتم تا ببینم کیست. دیدم استادم مولانا احمد اردبیلی است. خود را مخفی نمودم، دیدم او کنار در حرم رفت. در بسته با رسیدن او باز شد. او وارد حرم گردید. شنیدم او با کسی سخن می گفت. سپس از حرم بیرون آمد و در حرم بسته گردید. او

۱. الإسراء: ۷۱

۲. حر عاملی، اثبات الهداة، ج ۴، ص ۴۸۲.

از حرم خارج گردید و من به دنبال او حرکت کردم، بی آنکه او از حرکت من آگاه باشد. او به سوی کوفه رفت و به مسجد کوفه وارد گردید و کنار محراب رفت و در آنجا مدتی توقف نمود. سپس بازگشت و از مسجد بیرون آمد و به سوی نجف اشرف روانه شد.

من در تاریکی به دنبال او حرکت می‌کردم. وقتی که نزدیک ستون حنّانه رسید، سرفه مرا گرفت. نتوانستم سرفه‌ام را کنترل کنم. او به من متوجه شد و مرا شناخت و فرمود: «تو امیر علام هستی؟» گفتم: «آری». فرمود: «اینجا چه می‌کنی؟» عرض کردم: «من از آن وقتی که وارد حرم مطهر علی علیه السلام شدی تاکنون همراه تو هستم. تو را به صاحب این قبر (اشاره به قبر حضرت علی علیه السلام) سوگند می‌دهم که آنچه امشب برای تو اتفاق افتاده از آغاز تا انجام برای من بگویی!» فرمود: «با این شرط که تا زنده‌ام به کسی نگویی». من به او اطمینان دادم که تا زنده است به کسی نگویم. وقتی که اطمینان یافت، چنین توضیح داد: «من در بعضی از مسائل در بن‌بست قرار می‌گیرم و هر چه فکر می‌کنم، نمی‌توانم مشکل آن مسئله را حل کنم، به قلبم خطور می‌کند که کنار قبر مطهر علی علیه السلام بروم و جواب آن مسئله از آن حضرت بپرسم. امشب به حرم مشرف شدم و به مناجات با خدا پرداختم و از درگاهش خواستم که مولایم علی علیه السلام پاسخ سؤال مرا بدهد. ناگاه صدایی از جانب قبر شنیدم، به من فرمود: «به مسجد کوفه برو و سؤال خود را از فرزندم مهدی علیه السلام بپرس؛ زیرا امام زمان تو اوست». به مسجد کوفه کنار محراب رفتم و مسئله‌ای از امام قائم علیه السلام پرسیدم. آن حضرت پاسخ مرا داد؛ اینک به کوفه باز می‌گردم.^۱

فصل دوم: آستان مقدس علوی

آشکار شدن قبر حضرت امیر المؤمنین علیه السلام

هنگامی که امام علی علیه السلام به شهادت رسید، براساس وصیت ایشان، شبانه و مخفیانه در نجف به خاک سپرده شد و مکان قبر مخفی ماند.^۱ با این وجود ائمه معصومین علیهم السلام نسبت به زیارت قبر علی علیه السلام اهتمام داشتند. امام سجاد علیه السلام با ابو حمزه ثمالی مخفیانه به زیارت قبر علی علیه السلام مشرف شد.^۲ امام باقر علیه السلام با پدرش، در زمانی که قبر حضرت علی علیه السلام مخفی بود، به زیارت امیر المؤمنین علیه السلام مشرف شدند.^۳ امام صادق علیه السلام، محل قبر امیر المؤمنین علیه السلام را به بعضی از یاران شان - مانند صفوان بن مهران، ابان بن تغلب، یونس بن ظبیان، عبدالله بن سنان - معرفی کرد.^۴

۱. ابن اعثم، الفتوح، ج ۴، ص ۱۴۵.

۲. ابن طاووس، فرحة الغری، ص ۴۶.

۳. ابن طاووس، إقبال الأعمال، ج ۱، ص ۴۷۰.

۴. ابن قولویه، کامل الزیارات، ص ۳۶ و ۳۷.

هنگامی که امام صادق علیه السلام در سال ۱۴۳ قمری به دستور منصور عباسی به کوفه احضار شد، با صفوان جمال به محل قبر امیر المؤمنین علیه السلام رسید و قبر آن حضرت را زیارت کرد و جای آن را برای صفوان آشکار کرد.^۱ بنا به نقل بعضی منابع، صفوان از امام صادق علیه السلام اجازه خواست تا جای قبر حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام را به یارانش در کوفه معرفی کند، امام علیه السلام اجازه داد. حضرت به صفوان مقداری پول داد تا قبر حضرت را تعمیر کند.^۲

نخستین بار که به صورت عمومی محل قبر امام علی علیه السلام برای مردم آشکار شد، زمان هارون الرشید بود.^۳ روزی هارون در نجف به صحرای نیزاری به شکار رفت. تازی‌ها و فهدها (سگ‌ها و یوزپلنگ‌های شکاری) آهوان را تعقیب کردند و آهوان به بالای تل نجف^۴ پناه می‌بردند. تازی‌ها هم از آن تل بالا نمی‌رفتند. این عمل چند بار تکرار شد و همین‌که تازی‌ها عقب‌نشینی می‌کردند آهوان پایین می‌آمدند. همین‌که دوباره آهوان را تعقیب می‌کردند دوباره به بالای تل خاک پناه می‌بردند و تازی‌ها از تعقیب آنها باز می‌ایستادند.

هارون الرشید دریافت که باید در این مکان سرّی نهفته باشد. پیرمردی از اهالی آنجا را احضار کرد و راز آن را از پیرمرد جویا شد. پیرمرد گفت: «از پدرم شنیدم با حضرت امام جعفر صادق علیه السلام به اینجا آمدم و

۱. ابن طاووس، *فرحة الغری*، ج ۲، ص ۱۰۱ و ۱۰۲.

۲. همان.

۳. مفید، *الارشاد*، ج ۱، ص ۲۶.

۴. نجف در لغت به معنای تل خاک و پشته‌ای است که آب به آن نرسد.

ایشان اینجا را قبر جدش علی بن ابی طالب علیه السلام معرفی کرد که به زودی آشکار خواهد شد.^۱

هارون پس از این واقعه نامه‌ای به امام موسای کاظم علیه السلام در مدینه نوشت و صحت این مطلب را از امام موسی بن جعفر علیه السلام سؤال کرد. ایشان آن محل را به عنوان قبر جدش علی بن ابی طالب علیه السلام تأیید کرد. آن‌گاه به دستور هارون، سنگ بنایی بر آن قبر نهاده شد که به «تَحجیر هارونی» معروف شد.^۲

تاریخچه بنای حرم امام علی علیه السلام



بنابر نظر بعضی از بزرگان هارون‌الرشید به سال ۱۶۵ هجری^۳ صندوقی از سنگ سفید برای قبر ساخت و بنایی از آجر سفید و گنبدی از گل سرخ بر فراز آن استوار کرد و دیواری با چهار در، در جوار آن بنا نهاد. در زمان المطیع لله عباسی، یکی از نقیبان سادات علوی به نام

۱. ثقفی، الغارات، ج ۲، ص ۸۴۶؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۲، ص ۲۱۶-۲۳۶.

۲. ابن طاووس، فرحة الغری، ج ۲، ص ۱۲۴.

۳. مفید، الارشاد، ج ۱، ص ۲۵-۲۸؛ گنجی شافعی، کفایه الطالب، ص ۴۷۱.

ابوعلی عمر بن یحیی، با حلال‌ترین دارایی‌های خود حرم، گنبد و قبه‌ای کوچک ساخت.^۱ سپس داعی صغیر، از علویان طبرستان، عمارت دیگری بر آن استوار کرد.^۲

در عصر پادشاهان شیعی آل‌بویه، مرقد مطهر امام علی علیه السلام چون سایر مراقد و مزارها در عراق، توسط عضدالدوله بازسازی و توسعه یافت و عظیم‌ترین بنا بر آن استوار شد.^۳ او در ۳۶۳ قمری مدت یک سال در نجف ساکن شد و شخصاً بر این توسعه و بنای باشکوه نظارت کرد.^۴ بنای عضدالدوله تا سال ۵۳۲ قمری باقی بود و در آن سال در آتش سوخت. پس از آن حادثه ایلخانان مغول در سال ۷۶۰ قمری کار بازسازی حرم را به‌خوبی انجام دادند.^۵

در عصر صفویه شاه‌اسماعیل صفوی، شاه‌عباس صفوی در ۱۰۳۳ قمری^۶ و شاه صفی در سال ۱۰۴۷ قمری^۷ تعمیراتی انجام دادند که بنای فعلی حرم، با اندکی تغییر، یادگار آن دوران است. شاه‌عباس اول به کاشی‌کاری حرم اقدام کرد.^۸ برخی گفته‌اند معماری آن را شیخ بهایی انجام داده است.^۹ نادرشاه افشار در سال ۱۱۵۶ قمری دستور طلاکاری

۱. شوشتری، *تحفة العالم*، ج ۱، ص ۲۷۲.

۲. حکیم، *المفصل فی تاریخ النجف الاشرف*، ج ۲، ص ۳۸.

۳. ابن اثیر، *الکامل*، ج ۷، ص ۱۰۰.

۴. دیلمی، *ارشاد القلوب*، ج ۲، ص ۴۳۶.

۵. آل‌محبوبه، *ماضی النجف و حاضرها*، ج ۱، ص ۶۹ و ۷۰.

۶. براقی نجفی، *تاریخ النجف*، ص ۴۷۰ - ۴۷۱.

۷. امین، *اعیان الشیعة*، ج ۱، ص ۵۳۸.

۸. ترکمان، *عالم‌آرای عباسی*، ج ۳، ص ۷۰۷.

۹. *اعیان الشیعة*، ج ۱، ص ۵۳۴.

گنبد را داد. ایوان العلماء از آثار زمان اوست.^۱ در دوره قاجار نیز آغامحمدخان قاجار در سال ۱۲۱۱ قمری ضریحی از نقره به آستان تقدیم کرد. فتحعلی شاه در سال ۱۲۳۶ قمری تعمیراتی انجام داد و در سال ۱۲۶۲ قمری وزیر محمدمشاه، ضریحی دیگر از نقره روی قبر نصب کرد.^۲ در سال‌های اخیر برای بازسازی، نوسازی، آینه‌کاری و طلاکاری حرم مطهر اقدامات زیادی، به‌ویژه از سوی ایرانیان، صورت گرفته است.

اماکن معروف داخل حرم امام علی علیه السلام

۱. مدفن حضرت آدم و حضرت نوح علیهم السلام

درباره محل قبر حضرت آدم علیه السلام چندین قول وجود دارد.

(الف) قبر حضرت آدم علیه السلام در حرم مکه بوده است. از امام صادق علیه السلام نقل شده است، حضرت آدم علیه السلام در مکه دفن شد و بدن او را حضرت نوح علیه السلام به نجف انتقال داد.^۳ از اهل سنت روایت است که آدم علیه السلام در مسجد خیف در منا دفن شده است.^۴

(ب) قبر حضرت آدم علیه السلام در بیت المقدس است.^۵

(ج) قبر حضرت نوح علیه السلام در نجف است. آنچه مشهور و معروف است و در منابع روایی و مزارات نقل شده، قبر حضرت آدم علیه السلام و

۱. براقی نجفی، تاریخ النجف، ص ۴۱۲-۴۱۳.

۲. امین، اعیان الشیعة، ج ۱۳، ص ۵۲-۵۴.

۳. ثقفی، الغارات، ج ۲، ص ۱۰۲.

۴. مسعودی، مروج الذهب، ج ۱، ص ۳۸.

۵. طبری، تاریخ الطبری، ج ۱، ص ۱۶۱.

حضرت نوح علیه السلام در کنار قبر امیرالمؤمنین علیه السلام قرار دارد. مُفَضَّل بن عمر جَعْفَی روایت می‌کند که به امام صادق علیه السلام عرض کردم: «مشتاق زیارت امیر المؤمنین علیه السلام هستم». امام فرمود: «آیا فضل زیارت قبر او را می‌دانی؟» عرض کردم: «خیر یابن رسول الله صلی الله علیه و آله». فرمود: «هنگامی که قصد زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام را داری بدان که استخوان‌های آدم و بدن نوح و جسم علی بن ابی طالب علیه السلام را زیارت می‌کنی».^۱

در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده است که امام علی علیه السلام وصیت کرد مرا در قبر نوح علیه السلام دفن کنید.^۲

در پایان زیارتنامه‌ای که شیخ صدوق برای امیر المؤمنین علیه السلام نقل می‌کند، آمده است:

و تُصَلِّيَ عِنْدَهُ سِتَّ رَكَعَاتٍ تُسَلِّمُ فِي كُلِّ رَكَعَتَيْنِ لِأَنَّ فِي قَبْرِهِ عِظَامَ آدَمَ وَ
جَسَدَ نُوحٍ وَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام فَمَنْ زَارَ قَبْرَهُ فَقَدْ زَارَ آدَمَ وَ نُوحًا وَ أَمِيرَ
الْمُؤْمِنِينَ: فَتُصَلِّيَ لِكُلِّ زِيَارَةٍ رَكَعَتَيْنِ.^۳

نزد قبر امیر المؤمنین علیه السلام شش رکعت نماز می‌خوانی و در هر دو رکعت سلام می‌دهی، زیرا در قبر امیر المؤمنین علیه السلام استخوان‌های آدم و جسد نوح و امیر المؤمنین علیه السلام قرار دارد. کسی که قبر امیر المؤمنین علیه السلام را زیارت کند هر آینه قبر آدم و نوح و امیر المؤمنین علیه السلام را زیارت کرده، پس برای هر یک، دو رکعت نماز بخوان.

۱. مفید، کتاب المزار، ص ۲۱.

۲. طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۳۴.

۳. صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۹۴.

در روایتی ابی بصیر از امام صادق علیه السلام از محل دفن امیر المؤمنین علیه السلام سؤال می‌کند؛ حضرت می‌فرماید:

دُفِنَ فِي قَبْرِ أَبِيهِ نُوحٍ علیه السلام قُلْتُ وَ أَيْنَ قَبْرِ نُوحٍ النَّاسُ يَقُولُونَ إِنَّهُ فِي الْمَسْجِدِ قَالَ لَا ذَاكَ فِي ظَهْرِ الْكُوفَةِ.^۱

امیر المؤمنین علیه السلام در قبر پدرش نوح علیه السلام دفن شد. عرض کردم: «قبر نوح کجاست؟» مردم می‌گویند او در مسجدالحرام است. حضرت فرمود: «نه قبر او پشت کوفه است».

۲. رأس الحسين علیه السلام

درباره محل دفن سر مبارک امام حسین علیه السلام اقوال مختلفی وجود دارد؛ از جمله دفن در مدینه، شام یا ملحق شدن سر مبارک به بدن شریف حضرت در کربلا.^۲ بعضی معتقدند که سر حضرت حسین علیه السلام در کنار بدن حضرت علی علیه السلام، در نجف اشرف، دفن شده است. بنابراین بالای سر امام علی علیه السلام زیارت امام حسین علیه السلام نیز سفارش شده است.^۳ در روایات با تعبیرهای مختلفی چنین آمده است:

امام صادق علیه السلام، به همراه فرزندش اسماعیل از حیره به قصد زیارت امیر المؤمنین علیه السلام به نجف رفتند و در آنجا نماز خواندند. سپس امام علیه السلام به فرزندش اسماعیل گفت: «بایست و بر جدت حسین بن علی علیه السلام سلام بده». راوی از امام پرسید: «آیا امام حسین علیه السلام در کربلا نیست؟»

۱. طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۳۴.

۲. طبرسی، اعلام الوری، ص ۲۵۶.

۳. مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۱۷۸ و ج ۱۰۰، ص ۲۵۷ و ۲۹۳.

حضرت فرمود: «بلی. اما هنگامی که سر مطهر آن حضرت را به شام آوردند، یکی از دوستان ما آن را ربود و کنار امیرمؤمنان علیه السلام دفن کرد».^۱
 امام صادق علیه السلام فرمود: «وقتی به غری (نجف) وارد شدی، دو قبر می بینی: قبر بزرگ و قبر کوچک. قبر بزرگ، قبر امیر المؤمنین علیه السلام است و قبر کوچک محل دفن سر حسین بن علی علیه السلام است».^۲

۳. جای دو انگشت امام علی علیه السلام



این طرف که بلاحظه می کنید بخش آقایان است، که یادبوار جنوبی از قسمت بانوان جدا شده است. از این گوشه ضریح، به راحتی می توان محل این معجزه را مشاهده کرد و بانوان هم از قسمت بانوان به راحتی می توانند این محل را ببینند.

در حرم مطهر امام علی علیه السلام و داخل ضریح مبارک، روی صندوق چوبی داخل ضریح، در جهت جنوبی صندوق قبر مطهر، در طرف بالای سر، یک شکل محراب کوچک است که داخل آن، جایگاه دو انگشت قرار دارد (که هم اکنون با توجه به جداسازی بخش آقایان و بانوان، در قسمت بانوان قرار دارد، ولی از گوشه ضریح در بخش آقایان نیز کاملاً قابل مشاهده است).

۱. کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۵۷۱.

۲. ابن قولویه، کامل الزیارات، ص ۳۱-۳۲.

بر چهارچوب روبه‌روی جایگاه دو انگشت، این آیه از قرآن کریم نقش بسته است: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ﴾^۱. ماجرای جایگاه دو انگشت، اگرچه در منابع تاریخی اولیه ذکر نشده است، بعضی از بزرگان مانند محدث نوری به‌خاطر شهرت، آن را تلقی به قبول کرده و آن را معجزه‌ای می‌داند که به این شهرت، رسیده است.^۲ حکیم ابوالقاسم فردوسی (م ۴۱۱ق) در توصیف این معجزه امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ چنین سروده است:

شهی که کرد به انگشت مُرّه را به دو نیم
برای قتل عدو ساخت ذوالفقار انگشت^۳

حکیم سنایی غزنوی (م ۵۳۸ق) در وصف آن گفته:

خواب و آرام مرّه و عنتر *** کرده در مغز عقل زیر و زیر^۴

نیز این ماجرا را یکی از مناقب مسلم امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ می‌شمارد.

عالم وارسته سیدنصرالله حائری از مولا عبدالکریم از کتاب تبصرة المؤمنین و سیدمحمدصالح ترمذی متخلص به الکشفی از علمای اهل تسنن در کتاب المناقب این ماجرا را نقل می‌کنند و الکشفی می‌گوید این ماجرا طبق آسانید صحیح و معتبر قابل اثبات است.^۵ محدث نوری در کتاب دارالسلام این داستان را یقینی می‌شمارد.^۶

۱. فتح : ۱۰.

۲. نوری، دارالسلام، ج ۲، ص ۵۸.

۳. ترمذی، مناقب مرتضوی، ص ۳۳؛ شوشتری، مجالس المؤمنین، ج ۲، ص ۶۰۸.

۴. سنائی غزنوی، حدیقة الحقیقة، باب سوم.

۵. مسلمی، تاریخ النجف الأشرف، ص ۴۴۵.

۶. دارالسلام، ج ۲، ص ۵۸.

خلاصه این ماجرا در بعضی منابع چنین نقل شده است:

مُره بن قیس مردی کافر بود و غلامان بسیاری داشت. روزی مرّه با افراد قبیله خود درباره پدران، اجداد و بزرگان قبیله صحبت می‌کرد. به مرّه گفته شد اکثر پدران و اجدادت با شمشیر علی بن ابی‌طالب علیه السلام کشته شده‌اند. مرّه خشمگین شد و سراغ قبر علی بن ابی‌طالب علیه السلام را گرفت. به او گفته شد که قبر علی علیه السلام در نجف است.

مرّه نیز با سپاهی به تعداد دو هزار نفر سوار و چند هزار نفر پیاده به سوی شهر نجف حرکت کرد. وقتی سپاه مره به نجف نزدیک شد مردم داخل شهر مقاومت کردند. سپاه مره شهر را محاصره کرد و به مدت شش روز با مردم نجف جنگید تا اینکه توانست گوشه‌ای از دیوار شهر را ویران کرده، به داخل شهر نفوذ کند. با ورود سپاه مره، مردم شهر گریختند.

مرّه به طرف حرم مطهر آمد و با چکمه داخل حرم شد و نزدیک ضریح مطهر آمد و به قبر امیرالمؤمنین علیه السلام خطاب کرد و گفت: «ای علی، تو پدران و اجداد مرا کشته‌ای؟» و شمشیر خود را کشید تا صندوق مطهر را با شمشیر بشکافد. در این لحظه دو انگشت از داخل ضریح بیرون آمد و مرّه بن قیس را به دو نیم کرد و در جا به دو سنگ سیاه تبدیل شد. این دو سنگ سیاه به دروازه شهر نجف آورده شدند و هرکس که به زیارت بارگاه امیرالمؤمنین علیه السلام می‌آمد، یک لگد به آنها می‌زد. این دو سنگ مدت‌ها در کنار دروازه شهر بودند تا اینکه یکی از خادمان مسجد کوفه آنها را به کنار در مسجد کوفه برد و هر زائری که

قصده داشت به این دو سنگ لگد بزند از او پولی می‌گرفت و از این راه کسب درآمد می‌کرد.^۱

۴. ستارگان حرم علوی

عالمان و دانشمندان پرهیزکار و احیاگر معارف اسلام و اهل بیت علیهم‌السلام جایگاهی ارزشمند در تعالیم دینی دارند. در روایتی رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم علمای امت خود را مانند پیامبران بنی‌اسرائیل دانسته‌اند: «عُلَمَاءُ أُمَّتِي كَأَنْبِيَاءِ بَنِي إِسْرَائِيلَ».^۲ در نقلی دیگر به برتری علمای اسلام بر انبیای بنی‌اسرائیل اشاره شده: «عُلَمَاءُ أُمَّتِي أَفْضَلُ مِنْ أَنْبِيَاءِ بَنِي إِسْرَائِيلَ».^۳

در روایتی امام صادق علیه‌السلام فرمود:

به‌درستی که علما وارثان پیامبراند؛ زیرا پیامبران درهم و دینار به ارث نمی‌گذارند، بلکه احادیثی از سخنانشان را به ارث می‌گذارند. کسی که به حدیثی از احادیث آنها تمسک کند بهره فراوان گرفته است. پس نظر کنید که علم خود را از چه کسانی می‌گیرید. هر آینه درباره ما اهل بیت در هر عصری عالمان عادل بودند که تحریف غلو کنندگان و ادعای باطل‌گویان و تأویل جاهلان را نفی می‌کردند.^۴

بزرگداشت و تعظیم چنین عالمانی بر همه انسان‌ها لازم است؛ زیرا

۱. مسلمی، تاریخ النجف الأشراف، ص ۴۴۵ - ۴۴۶.

۲. شهید ثانی، منیه المرید، ص ۱۸۲.

۳. مفید، کتاب المزار، ص ۵.

۴. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۲.

آنان حافظان دانش و معارف انبیا هستند. یکی از راه‌های بزرگداشت
 علما در زمان فقدانشان حضور بر مزار آنان و طلب رحمت و مغفرت
 برای آنان است؛ زیرا آنان راهنمایان امت هستند. شخصی از
 امام صادق علیه السلام سؤال کرد: «حق مؤمن بر مؤمن چیست؟»

امام صادق علیه السلام فرمود:

إِنَّ مِنْ حَقِّ الْمُؤْمِنِ عَلَى الْمُؤْمِنِ الْمُوَدَّةَ لَهُ فِي صَدْرِهِ وَالْمُؤَاَسَاةَ لَهُ فِي مَالِهِ...
 وَإِذَا مَاتَ الزَّيَّارَةُ إِلَى قَبْرِهِ.^۱

از حقوق مؤمن بر مؤمن آن است که او را در قلب دوست بدارد، با مال
 یاری‌اش کند ... و هنگامی که از دنیا رفت قبر او را زیارت کند.

زیارت علما و بزرگان دین جایگاه زیارت معصومین علیهم السلام را دارد. در
 روایتی که از امام صادق علیه السلام، امام کاظم علیه السلام و امام رضا علیه السلام درباره زیارت
 معصومین علیهم السلام نقل شده، می‌فرمایند:

فَلْيَزُرْ صَالِحِي مَوَالِينَا يُكْتَبَ لَهُ ثَوَابُ زِيَارَتِنَا.^۲

به زیارت دوستان صالح ما (علما و دانشمندان و بزرگان شیعه و
 برادران و خواهران دینی) برود که خداوند ثواب زیارت ما را به او
 اعطا می‌کند

همین مضمون از امام کاظم علیه السلام درباره زیارت قبور مؤمنین و علما
 روایت شده است: «فَلْيَزُرْ قُبُورَ صُلَحَاءِ إِخْوَانِنَا»^۳ «قبور برادران صالح ما را
 زیارت کند».

۱. کلینی، الکافی، ج ۲، ۱۷۱.

۲. شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۷۳.

۳. الکافی، ج ۴، ص ۶۰.

روشن‌ترین مصداق برادران صالح معصومین علیهم‌السلام عالمانی هستند که معارف معصومین علیهم‌السلام را ترویج می‌کردند و در مسیر زنده نگهداشتن نام و راه معصومین علیهم‌السلام از هیچ کوششی فروگذار نکردند. در اینجا به معرفی بعضی از علمای بزرگ مدفون در حرم امام علی علیه‌السلام می‌پردازیم.

یک - علامه حلی (۶۴۸-۷۲۶ق) مدفون در راهروی کناری گلدسته

شمالی

حسن بن یوسف بن مطهر حلی، معروف به علامه حلی، فقیه و متکلم شیعه قرن هشتم هجری.^۱ این مرد بزرگ نقش بزرگی در تشیع بخش‌هایی از ایران داشت.

علامه حلی به درخواست سلطان محمد خدابنده، از پادشاهان ایلخانی، به ایران آمد و در یک مناظره علمی با علمای اهل سنت، امامت علی علیه‌السلام و حقانیت شیعه را ثابت کرد و باعث شیعه شدن سلطان محمد شد. از این رو شیعه فرصت تبلیغ و ترویج پیدا کرد و بخش‌هایی از ایران به برکت او شیعه شد.^۲

الجایتوی مغول نسبت به همسرش خشمگین شد و او را در یک مجلس سه طلاقه کرد؛ ولی بعداً پشیمان شد. علمای اهل سنت گفتند برای رجوع احتیاج به محلل است. سلطان گفت قول دیگری وجود

۱. جمعی از پژوهشگران، گلشن ابرار، ج ۱، ص ۱۳۸.

۲. خوانساری، روضات الجنات، ج ۲، ص ۲۷۹-۲۸۰.

ندارد؟ شما در همه موارد اختلاف آرا دارید! گفتند هیچ راه دیگری وجود ندارد. یکی از وزرای او گفت در حله عالمی است که معتقد است این طلاق باطل است. سلطان برای علامه حلی نامه نوشت و او را به دربار خود، که در منطقه «ارومیه» بود، دعوت کرد و مجلسی تشکیل داد و علمای اهل سنت را جمع کرد و علامه حلی را نیز فراخواند. علامه هنگام ورود به مجلس کفش خود را زیر بغل گرفت و به سلطان سلام کرد و کنار او نشست. به او گفتند چرا به سلطان سجده و ادب نکردی؟ گفت: «رسول گرامی اسلام، که سلطان السلاطین بود، مردم به او سلام می کردند نه سجده و تعظیم و در آیه شریفه هم آمده است: ﴿فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَسَلِّمُوا عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ تَحِيَّةً مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ مُبَارَكَةً طَيِّبَةً﴾^۱» چون به خانه‌هایی [که گفته شد] در آمدید به یکدیگر سلام کنید؛ درودی که نزد خدا مبارک و خوش است». علاوه بر اینکه میان ما و شما اختلافی نیست که سجده مخصوص خداست.

گفتند چرا کنار سلطان نشستی؟ گفت: «چون غیر از آنجا جای خالی ندیدم و حدیث نبوی است که هنگام ورود به مجلس، هر جای خالی یافتی بنشین.»

گفتند: «نعلین تو چه ارزشی داشت که آن را به مجلس سلطان آوردی؟» گفت: «ترسیدم حنفی مذهب‌ها آن را بدزدند؛ چنان که رئیسشان کفش پیامبر ﷺ را دزدید.» حنفی‌ها معترض شدند که ابوحنیفه در زمان رسول خدا ﷺ متولد نشده بود. علامه گفت ببخشید فراموش شده بود!

گویا دزد کفش شافعی بود.

همین گفت‌وگو و اعتراض درباره شافعیان، مالکیان و حنبلیان تکرار شد و جواب آنان عدم تولد رئیس مذهبشان در زمان رسول خدا ﷺ بود. علامه رو به سلطان کرد و گفت: «حالا مکشوف شد که هیچ‌یک از رؤسای مذاهب اربعه در زمان پیامبر ﷺ نبوده‌اند و آرای آنان، رأی و نظر اختراعی خودشان است؛ اما مذهب شیعه تابع امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام است که وصی و برادر رسول خدا ﷺ و به منزله نفس و جان وی است». علامه در ادامه مناظره خطبه بلیغی خواند و سلطان در انتهای مناظره شیعه شد.^۱

علامه حلی در ۲۱ محرم ۷۲۶ قمری در سن ۷۸ سالگی در شهر حله از دنیا رفت و بدنش به نجف منتقل گردید و در نزدیک‌ترین نقطه ممکن به قبر شریف امیر المؤمنین علیه السلام به خاک سپرده شد.^۲

علامه حلی رابطه‌ای نزدیک با حضرت ولی عصر علیه السلام داشت و بارها به محضر ایشان مشرف شده است.^۳

تکمیل کتاب توسط امام عصر علیه السلام

علامه حلی کتابی را از یکی از علمای اهل سنت امانت گرفته بود تا از آن نسخه برداری کند. ولی نیمه‌شب خواب مانع نوشتن شد. در این هنگام امام عصر علیه السلام وارد شده و از علامه می‌خواهد که ادامه کار

۱. مدرس، *ریحانة الادب*، ج ۴، ص ۱۶۹-۱۷۱.

۲. امین، *اعیان الشیعة*، ج ۲۴، ص ۲۲۳.

۳. همان، ج ۱۰، ص ۱۷۲-۲۲۹.

استنساخ را به او واگذار کند. علامه حلی پس از بیداری می‌بیند که نسخه‌برداری کتاب تمام شده است.^۱

دو - مقدس اردبیلی (م ۹۹۳ق) مدفون در ایوان طلا، مناره جنوبی

احمد اردبیلی، فرزند محمد، معروف به مقدس اردبیلی، از فقیهان بزرگ شیعه که در قرن دهم قمری و از معاصران شیخ بهایی بود.^۲ زهد و پارسایی او باعث شد که به «مقدس اردبیلی» معروف شود.^۳ از مقدس اردبیلی کرامات مختلف روایت شده است؛^۴ مانند: طی الارض، ملاقات با امام زمان علیه السلام در مسجد کوفه، بالا آمدن دلو پر از طلا به جای آب هنگامی که برای وضوی نماز شب از چاه آب می‌کشید.^۵

مقدس اردبیلی در صفر سال ۹۹۳^۶ یا ۹۹۲^۷ قمری درگذشت و در ایوان طلای حرم امیر المؤمنین علیه السلام به خاک سپرده شد.^۸ قبر او بعد از علامه حلی نزدیکترین قبر به مضجع شریف امیر المؤمنین علیه السلام است.

۱. شوشتری، *مجالس المؤمنین*، ج ۱، ص ۵۷۱.

۲. شریف رازی، *گنجینه دانشمندان*، ج ۳، ص ۶۰.

۳. حرزالدین، *معارف الرجال*، ج ۱، ص ۵۶.

۴. ربانی، *فقه و فقهای امامیه در گذر زمان*، ص ۳۹.

۵. همان.

۶. همان.

۷. مدرس تبریزی، *ریحانة الادب*، ج ۵، ص ۳۷۰.

۸. حر عاملی، *اصل الآمل*، ج ۲، ص ۲۳.

سه - شیخ مرتضی انصاری (۱۲۱۴ - ۱۲۸۱ ق) مدفون در حجره

شماره ۱۱

زهّد و تواضع شیخ انصاری عجیب بود. محمدحسن صاحب جواهر، آن فقیه برجسته، در آخر عمرش در جمع بزرگان علمای نجف شیخ انصاری را برای مرجعیت شیعه معرفی کرد و گفت: «هذا مرجعکم من بعدی»؛ «این مرجع شما بعد از من است».^۱ با این وجود شیخ انصاری مرجعیت را نپذیرفت و برای شریف العلمای مازندرانی، که هم‌درس او بود، در مازندران نامه‌ای نوشت و به او گفت: «تو در درس استاد از من فهیم‌تر بودی. بنابراین شما برای مرجعیت شایسته‌ترید». شریف العلمای در پاسخ نوشت: «اگر چه در آن زمان فهم من قوی‌تر بود، اما مدت‌هاست که من از مباحثات علمی به دور بوده‌ام و شما به عکس در حال تحقیقات علمی بوده‌اید. لذا شما ترجیح دارید». شیخ پس از پاسخ دوست و هم‌درس سابقش راضی می‌شود مرجعیت را بپذیرد.^۲

چهار - میرزای شیرازی (۱۲۳۰ - ۱۳۱۲ ق) مدفون در حجره قبل از

راهروی طوسی

آیت‌الله محمدحسن شیرازی، معروف به مجدد و میرزای شیرازی که با فتوای تحریم تنباکو استعمار پیر انگلیس را به زانو در آورد و جایگاه

۱. عقیقی بخشایشی، فقهای نامدار شیعه، ص ۳۴۱ و ۳۴۲.

۲. امین، عیان‌الشیعه، ص ۴۵۵-۴۵۶.

مرجعیت شیعه را به جهانیان نشان داد.

هنگامی که ناصرالدین شاه قاجار با یک قرارداد استعماری امتیاز توتون و تنباکو را به یک شرکت انگلیسی سپرد، میرزای شیرازی با فتوای «الیوم استعمال توتون و تنباکو بایّ نحو کان در حکم محاربه با امام زمان علیه السلام است» مصرف توتون و تنباکو را حرام کرد و علمای آن عصر از فتوای او حمایت کردند. در نتیجه ناصرالدین شاه مجبور شد قرارداد «رژی» را فسخ کند.^۱

میرزای شیرازی، آن بزرگمرد صحنه اجتهاد و جهاد، درحالی که حدود ۸۰ سال پربرکت را گذرانده بود، در شب چهارشنبه ۲۴ شعبان سال ۱۳۱۲ هجری قمری در شهر سامرا رحلت نمود.

بدن مطهر آن عالم ربانی بر روی دست‌های عزادار مردم، شهر به شهر، تشییع و به کربلا منتقل شد و بعد از طواف به نجف برده شد و در کنار بارگاه ملکوتی امیر المؤمنین علیه السلام به خاک سپرده شد.

پنج - محمدکاظم خراسانی (۱۲۵۵ - ۱۳۲۹ق) مدفون در حجره

شماره ۲۶

آخوند خراسانی به امور سیاسی و اجتماعی کشورهای اسلامی، به‌ویژه کشور ایران حساس بود. او از نهضت مشروطه ایران سخت دفاع کرد و طی پیامی به مردم ایران آنها را از خرید اجناس روسی برحذر داشت.

۱. سبحانی، موسوعه طبقات الفقهاء، ج ۱۴، ص ۶۷۰-۶۷۴.

وقتی روسیه شمال ایران تا قزوین را اشغال کرد، آخوند خراسانی تمام دروس خود را تعطیل کرد و آماده جهاد با روسیه شد و بسیاری از علمای نجف، کربلا و کاظمین را با خود همراه کرد. قرار شد شب چهارشنبه ۲۱ ذی‌الحجه ۱۳۲۹ قمری برای دعا و مناجات از نجف به مسجد سهله بروند و سپس راهی ایران شوند. اما همان شب اتفاق عجیبی افتاد و آخوند خراسانی با مرگ مشکوک از دنیا رفت و این جهاد مقدس هیچ‌گاه محقق نشد.^۱

یکی از آثار مکتوب آخوند خراسانی کتاب «کفایة الاصول» است که هنوز منبع آموزشی حوزه‌های علمیه است.

شش - سیدابوالحسن اصفهانی (۱۲۸۴ - ۱۳۶۵ق) مدفون در حجره

شماره ۲۶

سیدابوالحسن از نسل ابراهیم بن موسی بن جعفر علیه السلام، و دارای صبوری عجیب بود. صبر او بر مصیبت فرزند زبازد است. آقا سید ابوالحسن پسری داشت به نام سیدحسن^۲ که رابط بین پدر با مردم در رساندن نامه‌ها و ارائه کمک به آنان بود. در شب ۱۶ صفر ۱۳۴۹ قمری هنگام اقامه نماز جماعت در حرم امیر المؤمنین علیه السلام سیدابوالحسن اصفهانی، سیدحسن را در صف آخر نشانند تا مراجعات مردم به او برای دیگر نمازگزاران مزاحمتی پدید نیاورد. شخصی به نام شیخ‌علی قمی (به خاطر شدت فقر و به تصور اینکه سیدحسن در کمک به او کوتاهی

۱. سبحانی، موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۱۴، ص ۷۸۸-۷۹۰.

۲. میرآقایی و موسوی اصفهانی، حیات جاودانی، ص ۱۰۶ - ۱۱۷.

کرده) بین نماز مغرب و عشا با خنجری او را به قتل می‌رساند و سپس خود را به پلیس معرفی می‌کند. سیدابوالحسن پس از نماز از جریان قتل پسرش با خبر می‌شود، قاتل را می‌بخشد و دستور می‌دهد او را از زندان آزاد کنند. شیخ‌علی قمی پس از آزادی از زندان طی نامه‌ای از سیدابوالحسن اجازه می‌خواهد تا در نجف بماند و به ادامه تحصیل بپردازد. سیدابوالحسن به واسطه‌ای که نامه را برایش آورده بود می‌گوید: «از نظر من مانعی ندارد، اما ایشان در اینجا امنیت ندارد؛ بهتر است برود ایران در جایی گمنام زندگی کند».^۱ همچنین سیدابوالحسن مقداری پول برای تأمین مخارج زندگی به قاتل می‌دهد. پس از این اتفاق مردم به برخی طلاب بی‌احترامی، و گاهی آنان را اذیت می‌کردند. آقا سیدابوالحسن در جلسه ختم پسرش به شیخ‌محمدعلی یعقوبی، که سخنران جلسه بود، گفت که از قول او اعلام کند: «یکی از فرزندان من فرزند دیگری را کشته است! به فرزندانِ دیگر من چه کار دارید؟! همه طلاب فرزندان من هستند».^۲

هفت - محدث نوری (۱۲۵۴-۱۳۲۰ق) مدفون در حجره شماره ۱۵.

حسین نوری طبرسی، معروف به محدث نوری، احیاگر پیاده‌روی اربعین است. در زمان شیخ انصاری سنت زیارت امام حسین علیه السلام با پای پیاده رواج داشت و بسیاری از بزرگان و علما با پای پیاده به زیارت کربلا می‌رفتند؛ اما مدتی بعد این سنت به فراموشی سپرده شد. محدث

۱. میرآقایی و موسوی اصفهانی، *حیات جاودانی*، ص ۱۱۱.

۲. همان، ص ۱۱۶.

نوری این سنت را دوباره زنده کرد.^۱

محدث نوری دارای آثار علمی و حدیثی ارزشمندی است که از جمله آنها می‌توان به کتاب *مستدرک الوسائل* - که متمم *وسائل الشیعه* شیخ حر عاملی است - اشاره کرد. در مکتب علمی او شاگردانی مانند آقابزرگ تهرانی صاحب کتاب *الذریعه* و شیخ عباس قمی صاحب کتاب *مفاتیح الجنان* پرورش یافتند.

هشت - محدث قمی (۱۲۹۴ - ۱۳۵۹ق) مدفون در حجره شماره ۱۵.

شیخ عباس قمی، معروف به محدث قمی، در سال ۱۲۹۴ قمری برابر با ۱۲۵۴ شمسی در شهر قم دیده به جهان گشود.^۲ پدرش محمدرضا قمی فردی متدین و پارسا بود. مادرش «بانو زینت» از زنان پرهیزکار و پاکدامن بود محدث قمی درباره مادرش می‌گوید: «من هر موفقیتی که دارم از برکت مادرم است؛ زیرا ایشان سعی داشت همیشه مرا با طهارت کامل شیر دهد».^۳

شیخ عباس قمی در صفات اخلاقی زبانزد خاص و عام بود. اخلاص او در کار، تواضع او نسبت به دیگران، انس او با کتاب و مطالعه کم نظیر بود.^۴

در اینجا داستانی از اخلاص و تواضع او بیان می‌کنیم:

۱. آقابزرگ تهرانی، *نقباء البشر*، ج ۱، ص ۳۴۹.

۲. قمی، *الفوائد الرضویة*، ص ۲۲۱.

۳. دوانی، *مفاخر اسلام*، ج ۱۱، ص ۴۰.

۴. عبدالله زاده، *محدث قمی، حدیث اخلاص*، ص ۴۱.

زمانی که در مشهد اقامت داشت، علمای مشهد و مردم با اصرار از ایشان خواستند اقامه نماز جماعت در مسجد گوهرشاد را بپذیرد که ایشان پذیرفت. یک روز در حال رکوع فردی با گفتن الله اکبر خواست که به نماز جماعت برسد. شیخ عباس قمی از فردای آن روز برای امامت جماعت نیامد. از علت آن سؤال کردند، گفت وقتی آن فرد الله اکبر گفت یک لحظه به نفسم خطور کرد که چقدر جمعیت زیاد است.^۱

از آثار بابرکت محدث قمی کتاب ارزشمند *مفاتیح الجنان* است که در خانه عموم دوستداران اهل بیت علیهم السلام یافت می‌شود.

محدث قمی در شب سه‌شنبه ۲۲ ذی‌الحجه ۱۳۵۹ قمری برابر با ۱۳۱۹ شمسی در سن ۶۵ سالگی در نجف اشرف وفات کرد. آقاسیدابوالحسن اصفهانی بر بدن او نماز خواند و در یکی از حجره‌های حرم حضرت امیر المؤمنین علیه السلام کنار باب القبله، کنار استادش محدث نوری به خاک سپرده شد.

نه - محمدحسین غروی اصفهانی (۱۲۹۶ - ۱۳۶۱) مدفون در زیر

گلدسته شمالی

محمدحسین اصفهانی، مشهور به کمپانی، عالمی فقیه، شاعری توانا، وارسته در اخلاق و اهل سیر و سلوک و بسیار پرکار و سخت‌کوش بود. آیت الله بهجت درباره سخت‌کوشی مرحوم کمپانی در درس، عبادت و تدریس می‌گوید:

مرحوم آقاشیخ محمدحسین طوری بود که اگر کسی به فعالیت‌های علمی‌اش توجه می‌کرد، تصور می‌کرد در شبانه‌روز هیچ کاری غیر از مطالعه و تحقیق ندارد و اگر کسی از برنامه‌های عبادی ایشان اطلاع پیدا می‌کرد، فکر می‌کرد غیر از عبادت به کاری نمی‌پردازد... مرحوم کمپانی در روضه اهل بیت در منزلش مقید بود که خود پای سماور بنشیند و خود او همه کفش‌ها را جفت کند.^۱

آیت الله اصفهانی دیوان شعری در فضایل، مناقب و مصائب اهل بیت دارد که معروف است و قبر او در حجره متصل به گلدسته شمالی ایوان طلای حرم امیر المؤمنین علیه السلام نزدیک مقبره علامه حلی است.^۲

ده - سیدمصطفی خمینی (۱۳۰۹-۱۳۵۶ش) مدفون در زیر گلدسته

شمالی

سیدمصطفی خمینی علیه السلام، فرزند ارشد امام خمینی علیه السلام، عالمی وارسته و مشاور و همراهی امین برای پدر بود. دروس فلسفه را از محضر آیت‌الله رفیعی قزوینی و علامه طباطبائی بهره گرفت.^۳ خارج فقه و اصول را نزد بزرگانی چون آیت‌الله بروجردی، آیت‌الله شیخ مرتضی حائری، آیت‌الله محقق داماد و پدرشان امام خمینی علیه السلام

۱. پایگاه نشر آثار آیت الله بهجت.

۲. آقابزرگ، طبقات اعلام الشیعه، ج ۲، ص ۵۶۱.

۳. دوانی، نهضت روحانیون ایران، ج ۶، ص ۳۳۳.

تلمذ کرد.^۱ در سن ۲۷ سالگی به درجه اجتهاد رسید.. مبارزات سیاسی خود را از سال ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ آغاز کرد.^۲ پس از دستگیری امام خمینی در ۱۳ آبان سال ۱۳۴۳ شمس‌الباریانی قم را ترغیب به تعطیلی بازار کرد. از این رو شهربانی ایشان را دستگیر، و در ۱۴ دی ۱۳۴۳ به ترکیه تبعید کرد.^۳ پس از یک سال تبعید به نجف هجرت کرد^۴ و در کنار فعالیت‌های علمی به مبارزات خود ضد رژیم پهلوی ادامه داد تا سرانجام در اول آبان ۱۳۵۶ در سن ۴۷ سالگی توسط مزدوران رژیم پهلوی مسموم، و به شهادت رسید.^۵ آیت‌الله العظمی خوئی بر بدن او نماز خواند و در ایوان طلای حرم امیرالمؤمنین (علیه السلام) به خاک سپرده شد. شهادت او باعث آغاز مبارزات ضد رژیم و سقوط پهلوی گردید.

یازده - سیدابوالقاسم خویی (۱۲۷۸ - ۱۳۷۱ق) مدفون در حجره

شماره ۳۱

سیدابوالقاسم موسوی خویی فقیهی بزرگ که با انتفاضه شیعیان عراق

۱. میری، «نگاهی به حیات علمی و آثار قلمی شهید آیت الله سید مصطفی خمینی»،

ص ۳۵۶-۳۵۷.

۲. اشراقی، «مصاحبه با آیت الله حاج شیخ شهاب الدین اشراقی (علیه السلام)»، ص ۶۹.

۳. رجیبی، *زندگی‌نامه سیاسی امام خمینی (علیه السلام)*، ج ۱، ص ۳۳۱-۳۳۸.

۴. قزوینی، «آثار و بازتاب‌های شهادت آیت الله حاج آقا سید مصطفی خمینی»، ص ۱۵۹.

۵. باقی «مروری بر زندگینامه آیت الله شهید حاج سید مصطفی خمینی»، ص ۴.

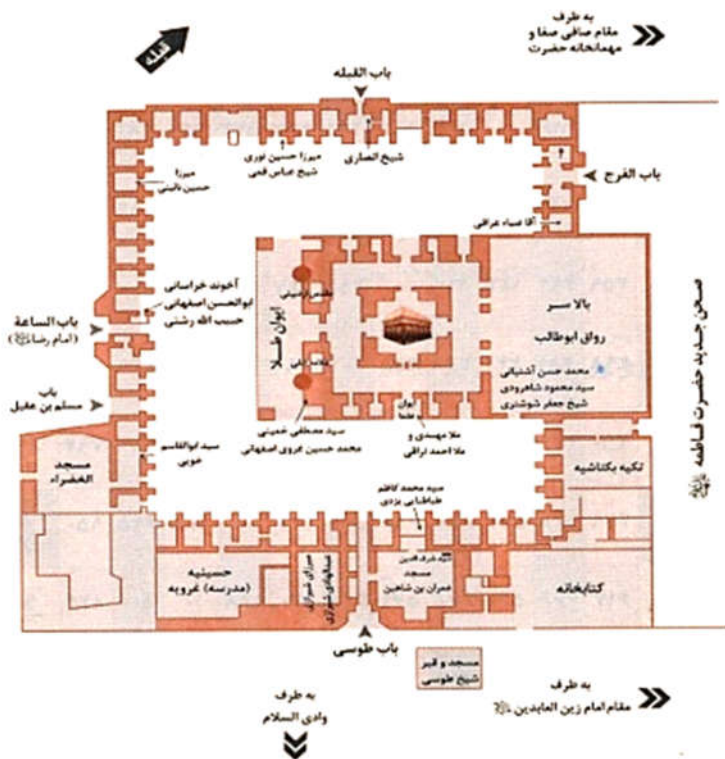
در سال ۱۹۹۱ میلادی مهمترین اقدام سیاسی علیه صدام را انجام داد. با قیام شیعیان علیه صدام وی هیئتی نه نفره برای اداره مناطق تحت نظر شیعیان تعیین کرد. اما شکست انتفاضه شعبانیه، باعث حصر خانگی آیت‌الله خویی و فشار گسترده حکومت عراق در دوره صدام بر ایشان شد.^۱

آیت‌الله خویی در تاریخ ۸ صفر ۱۴۱۳ قمری، برابر با ۱۷ مرداد ۱۳۷۱ شمسی، در سن ۹۴ سالگی، به علت بیماری قلبی در کوفه درگذشت و با ممانعت حزب بعث از تشییع عمومی او، تعداد کمی از شاگردان و نزدیکان او را تشییع و آیت‌الله سیستانی بر بدن او نماز خواند و در حرم امیر المؤمنین (علیه السلام) دفن گردید.^۲

۱. جعفریان، «خاطره‌ای خواندنی درباره دستگیری آیت‌الله خویی در انتفاضه شعبانیه ۱۹۹۱».

۲. پیری سبزواری، «آیت‌الله العظمی سیدابوالقاسم خویی؛ قرآن‌شناس بزرگ معاصر»، ص ۴۱-۴۲.

حرم مطهر امام علی (ع)





دوازده - سایر علمای مدفون در حرم امیر المؤمنین علیه السلام

بعضی از نویسندگان بیش از دویست شخصیت را با نام و مشخصات احصا کرده‌اند که در حرم امام امیر المؤمنین علیه السلام مدفون شده‌اند.^۱ برخی از آنها عبارتند از:

موسی بن جعفر بن طاووس (م ۶۰۱ق)، پدر سید بن طاووس، مدفون در رواق حرم.

رضی الدین سید علی بن موسی، معروف به سید بن طاووس، نویسنده *اقبال الاعمال و اللهوف*.

ورام بن ابی فراس (م ۶۰۵ق)، جد مادری سید بن طاووس، نویسنده *مجموعه ورام*

سید عبدالکریم بن احمد حلی (۶۴۸ - ۶۹۳ق)، برادرزاده سید بن طاووس: مدفون در رواق

محمد بن حسن حلی (۶۸۲-۷۷۱ق)، فرزند علامه حلی، مشهور به *فخر المحققین* (در ایوان طلا نزدیک پدرش دفن شده است).

سید محمد جواد عاملی (۱۱۶۰ - ۱۲۲۶ق)، نویسنده کتاب *مفتاح الکرامه* مدفون در حجره شماره ۷.

شیخ محمد حسین کاظمی، (۱۲۲۴-۱۳۰۸ق) صاحب کتاب *هدایة الانام فی شرح شرایع الاسلام*.

محمد حسن مامقانی (۱۲۳۸ - ۱۳۲۳ق) مؤلف کتاب *غایة الآمال* در

۱. سایت دفتر آیت الله حاج شیخ جواد تبریزی علیه السلام نزدیک به دویست شخصیت را شناسایی کرده است که در حرم حضرت امیر المؤمنین علیه السلام دفن شده‌اند. <https://www.tabrizi.org>

شرح مکاسب شیخ انصاری

میرزاهمدهحسن آشتیانی (۱۲۴۸-۱۳۱۹ق) مؤلف حاشیه بر رسائل

شیخ انصاری با نام بحرالفوائد فی شرح الفرائد

محمد مهدی نراقی (۱۱۲۸-۱۲۰۹ق) مؤلف جامع السعادات، مدفون

روبه روی مسجد عمران بن شاهین ایوان علما

ملا احمد نراقی (۱۱۸۵ - ۱۲۴۵ق) مؤلف معراج السعاده، مدفون

روبه روی مسجد عمران بن شاهین ایوان علما

شیخ عبدالله مامقانی (۱۳۵۱ق) صاحب کتاب تنقیح المقال فی علم

الرجال

محمد حسین کاشف الغطاء (۱۲۹۴ - ۱۳۷۳ق) نویسنده کتاب اصل

الشیعه و اصولها

علامه شیخ محمد جواد بلاغی (۱۲۸۲-۱۳۵۲ق) نویسنده آلائ

الرحمن فی تفسیر القرآن

سید اسماعیل صدر (۱۲۵۸ق - ۱۳۴۰ق)^۱

میرزای نائینی، محمد حسین نائینی (۱۲۷۷ - ۱۳۵۵ق) مدفون در

حجره ۲۱

سید محمد کاظم طباطبائی یزدی (۱۲۴۷-۱۳۳۷ق) مدفون در حجره

۴۷ پشت مسجد عمران بن شاهین

شیخ جعفر شوشتری (۱۲۲۷-۱۳۰۳ق) مدفون در ابتدای درِ رواق

ابوطالب

حاج آقا حسین قمی (۱۲۸۲ - ۱۳۶۶ق) مدفون در حجره ۲۲
 شیخ الشریعه اصفهانی (۱۲۶۶-۱۳۳۹ق) مدفون در حجره شماره ۲۲
 آیت الله شاهرودی (۱۳۰۱ - ۱۳۹۴ق) مدفون در رواق ابوطالب

ستارگان مدفون در بیرون از حرم امیر المؤمنین علیه السلام

بیرون از حرم امیر المؤمنین علیه السلام عده‌ای از علمای بزرگ شیعه مدفونند؛ از جمله

یک- شیخ طوسی (۳۸۵ق - ۴۶۰ق)

محمد بن حسن طوسی معروف به شیخ طوسی به مدت پنج سال شاگرد شیخ مفید (م ۴۱۳ق) بود. او سید مرتضی را درک کرد.^۱ حضور شیخ طوسی در ۱۲ سال آخر عمرش در نجف^۲ سبب پایه‌گذاری یا به عبارت دیگر رونق حوزه نجف شد.^۳

کتاب تهذیب الاحکام و الاستبصار فیما اختلف من الاخبار ایشان دو اثر از چهار اثر معتبر شیعه است. تفسیر التبیان فی تفسیر القرآن اولین تفسیر شیعی است که شامل همه آیات قرآن می‌شود.^۴

شیخ طوسی در شب دوشنبه ۲۲ محرم سال ۴۶۰ قمری در نجف درگذشت و در خانه خودش به خاک سپرده شد.^۵ طبق وصیت شیخ، این

۱. حرزالدین، مرآة المعارف، ج ۱، ص ۴۰.

۲. دوانی، سیری در زندگی شیخ طوسی، ص ۲۰.

۳. آقا بزرگ تهرانی، طبقات اعلام الشیعة، ص ۱۶۱-۱۶۲.

۴. غلامی، «نگاهی به نخستین تفسیر جامع و کامل جهان تشیع»، ص ۸۵-۸۶.

۵. طبقات اعلام الشیعة، ص ۱۶۲.

خانه به مسجد تبدیل شد که به نام مسجد شیخ طوسی (جامع الشیخ الطوسی) معروف است. مقبره و مسجد شیخ طوسی در جلو در ورودی حرم امیر المؤمنین علیه السلام قرار دارد.^۱

دو- سید محمد مهدی بحر العلوم (۱۱۵۵-۱۲۱۲ق)

سید محمد مهدی فرزند مرتضی بروجردی طباطبایی بحر العلوم، در سال ۱۱۵۵ قمری در کربلا در خانواده‌ای اهل علم و ادب متولد شد. علامه بحر العلوم از بزرگانی است که بارها توفیق تشرف به محضر حضرت ولی عصر علیه السلام را پیدا کرده بود.

سید محمد مهدی بحر العلوم سرانجام در رجب سال ۱۲۱۲ قمری در سن ۵۷ سالگی در گذشت و در صحن مسجد شیخ طوسی به خاک سپرده شد.^۲

سه- محمد حسن نجفی (صاحب جواهر) (۱۲۶۴ - ۱۳۴۵ق)

شیخ محمد حسن نجفی، معروف به صاحب جواهر، کتاب جواهر الکلام شرح بر شرایع الاسلام محقق حلی از آثار ارزشمند اوست. ایشان بعد از عمری مجاهدت علمی در سال ۱۳۴۵ قمری در نجف وفات یافت و در مقبره‌ای که خود آماده کرده بود به خاک سپرده شد.^۳ مقبره او در کنار مسجدش در محله العماره در شمال غربی حرم مطهر، خیابان امام زین العابدین علیه السلام غربی قرار دارد.

۱. آقا بزرگ تهرانی، طبقات اعلام الشیعه، ص ۱۶۲.

۲. همان.

۳. سبحانی، موسوعه طبقات الفقهاء، ج ۱۴، ص ۱۹۰-۱۹۱.

چهار- علامه امینی (۱۳۲۲ - ۱۳۹۰ ق)

عبدالحسین تبریزی نجفی، معروف به علامه امینی، کتاب معروف *الغدیر* را در فضایل و امامت علی علیه السلام تألیف کرد. علامه امینی با جمع‌آوری هشت هزار کتاب چاپی و چهار هزار کتاب خطی به تشکیل کتابخانه ارزشمندی توفیق یافت. ایشان در ۲۸ ربیع‌الثانی ۱۳۹۰ قمری در تهران وفات یافت. سپس جنازه او به نجف منتقل شد و در مقبره مخصوص، در کتابخانه خود، دفن گردید.^۱

۵. مقبره حاکمان و دولتمردان

یک- مقبره حاکمان و دولتمردان آل بویه (قرن چهارم)

آل بویه از خاندان شیعی و دوستدار اهل بیت علیهم السلام بودند که تلاش قابل ستایشی در احیا، بازسازی و توسعه مکان‌های مقدس به عمل آوردند. بسیاری از این خاندان در جوار امامان خود، از جمله امام حسین علیه السلام و امام علی علیه السلام دفن شده‌اند. بعضی از این افراد عبارتند از: عضدالدوله دیلمی، در سال ۳۷۳ قمری در بغداد از دنیا رفت و در قسمت پایین پای مبارک امام علی علیه السلام^۲ و شرف‌الدوله در سال ۳۷۹ قمری^۳ و بهاء‌الدوله فرزندان عضدالدوله در کنار پدرشان دفن شده‌اند.^۴

۱. سبحانی، *موسوعة طبقات الفقهاء*، ج ۱۴، ص ۳۰۳ - ۳۰۵.

۲. ابن جوزی، *المنتظم*، ج ۷، ص ۱۱۷.

۳. همان، ص ۲۳۶.

۴. آل محبوبه، *ماضی النجف و حاضرهما*، ج ۱، ص ۲۳۵.

بدرالدین حسنویه از حاکمان همدان، دینور، بروجرد و نهاوند بود. وی، که از سوی عضدالدوله^۱ و فخرالملک ابوغالب وزیر سلطانالدوله بویهی بود، در اهواز وفات کرد و در نجف خاک شد.

دو- مقبره حاکمان و دولتمردان از آل حمدان

آل حمدان از پادشاهان شیعی و از مجاهدان بزرگ قرن پنجم و ششم هجری در شام بودند. نقش آنها در نهضت مقاومت و مقابله با تجاوز نیروهای بیزانس سرنوشت ساز بود. سیفالدوله و برادرش در حرم علی علیه السلام مدفون هستند.^۲

سه- مقبره حاکمان و دولتمردان از ایلخانان و تیموریان

ایلخانان مغول از دولت‌های مسلمان و شیعی حاکم در ایران هستند که از سال ۷۳۶ تا ۸۱۳ قمری در عراق حکومت می‌کردند. برخی از دولتمردان ایلخانی، جلایری و تیموری در حرم مطهر دفن شده‌اند؛ هبه‌الدین شهرستانی می‌گوید که در سال ۱۳۵۰ قمری قبر تیمور لنگ، مؤسس سلسله تیموریان را در کنار قبر شیخ طوسی در سرداب دیده است.^۳

چهار- مقبره پادشاهان و رجال قاجاریه

برخی از پادشاهان و رجال قاجار در حرم و صحن مطهر به خاک

۱. آل محبوبه، ماضی النجف و حاضرها، ج ۷، ص ۲۳۶.

۲. ماضی النجف و حاضرها، ج ۱، ص ۲۴۰.

۳. قائدان، عتبات عالیات عراق، ص ۶۶.

سپرده شده‌اند؛ ولی امروزه مکان آنها مشخص نیست:
 آغامحمدخان قاجار (مؤسس سلسله قاجاریه) در قسمت شمالی
 رواق، که امروزه به حجرة السلاطين معروف است،^۱
 کیومرث میرزا (فرزند فتحعلی شاه قاجار) محمدحسن خان قاجار،
 تاج‌الدوله (دختر ناصرالدین شاه)، حسینعلی میرزا (برادر فتحعلی شاه) شاه
 زادگانی هستند که در حرم علی عليه السلام به خاک سپرده شده‌اند.^۲

۱. ناصرالدین شاه، سفرنامه ناصرالدین شاه به عتبات، ص ۱۲۵.

۲. همان.

فصل سوم: اماکن مقدس نجف

۱. قبرستان وادی السلام



یکی از بزرگ‌ترین گورستان‌ها در جهان اسلام، قبرستان وادی السلام در نجف اشرف است. وجود قبر حضرت هُود و صالح عليهما السلام در این قبرستان از قدمت بسیار طولانی این قبرستان حکایت می‌کند.^۱

الف) ویژگی‌های وادی السلام

یک - انتقال ارواح مؤمنین به آن

وادی السلام آرامگاه ارواح مؤمنان، و بنا بر نظر بعضی از بزرگان

۱. ابن طاووس، فرحة الغری، ص ۱۲۸-۱۲۹.

بهشت روی زمین برای ارواح مؤمنان است.^۱ امیر المؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ برای خلوت با خدا از کوفه خارج می‌شد و به منطقه نجف و وادی السلام می‌آمد.^۲ حضور حضرت در اینجا دلیل بر ویژگی معنوی این قبرستان است.

حَبَّةٌ غُرْنِي مِي گويد: در محضر امير مؤمنان عَلَيْهِ السَّلَامُ بودم، در وادی السلام ایستاد و شروع به راز دل گفتن کرد؛ گویی با کسی سخن می‌گفت. به احترام آن حضرت مدتی ایستادم تا خسته شدم. پس نشستم، حوصله‌ام سر رفت. باز هم ایستادم تا خسته شدم. باز هم آن قدر نشستم که حوصله‌ام سر رفت. این بار ایستادم و عبايم را تا کردم و گفتم: «ای امیر مؤمنان! از طول قیام شما من نگران شدم؛ ساعتی استراحت بفرمایید». پس عباي خود را روی زمین پهن کردم تا روی آن بنشینند. فرمود:

«ای حَبَّة این چیزی جز گفت‌وگویی با مؤمن و انس با مؤمن نیست» گفتم: «آیا آنها نیز با یکدیگر چنین گفت‌وگویی دارند؟» فرمود: «آری، اگر پرده از مقابل دیدگانت کنار برود، خواهی دید که آنها نیز جامه به خود پیچیده، حلقه حلقه نشسته، با یکدیگر سخن می‌گویند». پرسیدم آیا ارواح مؤمنان در اینجا گرد آمده‌اند یا بیکرهای آنها؟ فرمود:

أَرْوَاحٌ وَمَا مِنْ مُؤْمِنٍ يَمُوتُ فِي بُقْعَةٍ مِنَ الْبَقَاعِ الْأَرْضِ إِلَّا قِيلَ لِرُوحِهِ
الْحَقِّي بِوَادِي السَّلَامِ وَإِنَّهَا لَبُقْعَةٌ مِنْ جَنَّةِ عَدْنٍ.^۳

۱. کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۲۴۳.

۲. همان.

۳. همان.

ارواح مؤمنان در اینجا گرد آمده‌اند، هیچ مؤمنی در هیچ بقعه‌ای از بقعه‌های روی زمین از دنیا نمی‌رود جز اینکه به روحش گفته می‌شود: به وادی السلام بییونند؛ به راستی آنجا بقعه‌ای از بهشت برین است.^۱

در روایتی دیگر اَصْبَغُ بنُ نُبَاتَه روایت می‌کند که مولای متقیان امیر مؤمنان علیه السلام روزی از کوفه بیرون رفتند تا به سرزمین «عَرِیَّ» (نجف فعلی) رسیدند و در آنجا روی خاک‌ها دراز کشیدند. ما به حضرت ملحق شدیم. قبر عرضه داشت: «اجازه دهید جامه‌ام را پهن کنم تا روی آن استراحت کنید». امام علیه السلام فرمود: «نه، این خاک چیزی جز تربت مؤمن یا مزاحمتِ مجلس او نیست». اصغ بن نباته می‌گوید: «عرض کردم: مولای من، تربت مؤمن را متوجه شدیم که اینجاست و در آینده خواهد بود، ولی منظور شما را از مزاحمت مجلس مؤمن متوجه نشدیم». فرمود:

يَابْنَ نُبَاتَه، لَوْ كُشِفَ لَكُمْ لَرَأَيْتُمْ أَرْوَاحَ الْمُؤْمِنِينَ فِي هَذَا الظَّهْرِ حَلَقًا
يَتَزَاوَرُونَ وَيَتَحَدَّثُونَ إِنَّ فِي هَذَا الظَّهْرِ رُوحَ كُلِّ مُؤْمِنٍ.^۲

ای پسر نباته، اگر پرده از برابر دیدگان شما کنار برود خواهید دید که ارواح همه مؤمنان در این پشت گرد آمده، حلقه زده، با یکدیگر دیدار می‌کنند و از هر دری سخن می‌گویند، ارواح همه مؤمنان در این نقطه گرد آمده‌اند.

در روایتی دیگر امام صادق علیه السلام هم به انتقال ارواح مؤمنین به وادی السلام

۱. کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۲۴۳.

۲. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۲۷، ص ۳۰۷.

تصریح کرده است. مروان بن مسلم به امام صادق علیه السلام عرض کرد: «برادرم در بغداد زندگی می‌کند؛ می‌ترسم که اجلش در آنجا فرا رسد». امام علیه السلام فرمود:

مَا تُبَالِي حَيْثُمَاتَ أَمَا إِنَّهُ لَا يَبْقَى مُؤْمِنٌ فِي شَرْقِ الْأَرْضِ وَغَرْبِهَا إِلَّا حَشَرَ
اللَّهُ رُوحَهُ إِلَى وَادِي السَّلَامِ قُلْتُ لَهُ وَآيَنَ وَادِي السَّلَامِ قَالَ ظَهْرُ الْكُوفَةِ.^۱

چرا در اندیشه هستی که کجا بمیرد، بدون تردید هیچ مؤمنی در مشرق یا مغرب زمین نمی‌میرد، جز اینکه خداوند روحش را به وادی السلام محشور می‌کند.

راوی پرسید: «وادی السلام کجاست»؟ فرمود: «وادی السلام پشت کوفه است».

اگر چه این روایات از نظر سندی ضعیف است، ولی از مجموعه روایاتی که در این زمینه وارد شده می‌توان گفت: «مسئله انتقال روح مؤمنین به وادی السلام امری قابل پذیرش است».

دو- برداشته شدن عذاب و سؤال و جواب

یکی دیگر از ویژگی‌های سرزمین نجف و وادی السلام این است که خداوند با مؤمنانی که در این خاک مدفون می‌شوند با مهربانی و محبتی خاص معامله می‌کند. روایت شده:

أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام نَظَرَ إِلَى ظَهْرِ الْكُوفَةِ فَقَالَ مَا أَحْسَنَ مَنْظَرَكَ وَ
أَطْيَبَ قَعْرَكَ اللَّهُمَّ اجْعَلْ قَبْرِي بِهَا.^۲

۱. کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۲۴۳.

۲. دیلمی، ارشاد القلوب، ج ۲، ص ۴۳۹.



فصل سوم: اماکن مقدس نجف

امیر المؤمنین علیه السلام نگاهی به پشت کوفه کرد و فرمود: «چه زیباست چشم‌انداز تو و چه پاک است خاک تو. خدایا قبر مرا در آن قرار ده.»

دیلمی نقل می‌کند که از خواص خاک نجف آن است که عذاب قبر و سؤال نکیر و منکر از مدفونین آن برداشته می‌شود.^۱

سه - پرواز ارواح مؤمنین از وادی السلام

امام صادق علیه السلام فرمود: هر روز جمعه و عید قربان و فطر خداوند به رضوان، نگهبان بهشت، درباره ارواح مؤمنین درحالی که در بهشت هستند، ندا می‌کند: خداوند به شما برای زیارت بستگانان و دوستانان از اهل دنیا اجازه داده است.

سپس خداوند به رضوان امر می‌کند برای هر روح ناقه‌ای از ناقه‌های بهشتی بیاورد که بر پشت آن قبه‌ای از زبرجد سبز و زین آن از یاقوت تازه زرد (همراه با زینت‌های بهشتی مختلف) در فضای بهشت اجتماع می‌کنند.

خداوند به جبرئیل امر می‌کند میان اهل آسمان‌ها ندا دهد که از این مؤمنین استقبال کنید. همه ملائکه آسمان از آنها استقبال می‌کنند [و آنها را مشایعت می‌کنند] تا آسمان دیگر تا اینکه به وادی السلام فرود می‌آیند. سپس از آنجا به شهرها و بلاد اهل خود پراکنده می‌شوند تا با کسانی که در دنیا با آنها زندگی می‌کردند دیدار کنند. همراه آنان

۱. دیلمی، *ارشاد القلوب*، ج ۲، ص ۴۴۰.

ملائکه‌ای هستند که صورت مؤمنین را از آنچه کراهت دارند باز می‌گردانند به سوی آنچه دوست دارند و قبور بدن‌ها را زیارت می‌کنند تا اینکه مردم نماز بخوانند و از مصلاها به سوی منازلشان باز گردند. در این هنگام جبرئیل میان آنها ندا می‌دهد که به‌سوی غرفه‌های بهشت کوچ کنید و همه به‌سوی بهشت کوچ می‌کنند.^۱

ب) زیارتگاه‌های وادی السلام

یک - قبر حضرت هود و حضرت صالح علیهما السلام



در قبرستان وادی السلام محل دفن و مزار دو تن از پیامبران الهی، حضرت هود و صالح علیهما السلام، قرار دارد. از امام حسن علیه السلام سؤال شد:

۱. جمعی از علماء، *الأصول الستة عشر*، ص ۱۸۷ - ۱۸۸.

امیر المؤمنین علیه السلام کجا دفن گردید؟ فرمود: «در ناحیه سیل گاه. با [پدرم] شبی از مسجد اشعث عبور می کردیم پدرم فرمود: «فِإِذَا مَتَّ ادْفُنُونِي فِي هَذَا الظَّهْرِ فِي قَبْرِ أَخَوَيْ هُودٍ وَصَالِحٍ»^۱. در بعضی روایات فقط قبر هود آمده است: «ادْفُنُونِي فِي قَبْرِ أَخِي هُودٍ»^۲.

حضرت هود از نوادگان حضرت نوح یکی از ۲۶ پیامبری است که نام او در قرآن کریم آمده است.^۳ خداوند هفت مرتبه از هود علیه السلام در قرآن کریم یاد کرده^۴ و سوره‌ای به نام این پیامبر (هود) در قرآن موجود است. محل زندگی قوم هود در منطقه‌ای میان عمان و حضر موت قرار داشت. خداوند هود علیه السلام را مأمور کرد که قوم عاد را به پرستش خداوند دعوت کند^۵ و از پرستش بت‌ها بازدارد.^۶

پس از سرپیچی قوم عاد و درخواست عذاب الهی،^۷ حضرت هود به آنان از عذاب الهی خبر داد.^۸ به امر خداوند، در سرزمین احقاف، که سرزمین سرسبز و آبدادی بود، هفت سال باران نبارید و آنها دچار قحطی شدند.^۹ پس از آن خداوند برای عذاب قوم عاد ابر سیاهی فرستاد.

۱. ابن طاووس، فرحة الغری، ص ۳۹.

۲. طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۳۴.

۳. النجار، قصص الانبیاء، ص ۴۹.

۴. اعراف: ۶۵؛ هود: ۵۰، ۵۳، ۵۸، ۶۰، ۸۹؛ شعراء: ۱۲۴؛ النجار، قصص الانبیاء، ص ۴۹.

۵. ابن کثیر، قصص الانبیاء، ص ۹۳.

۶. همان.

۷. اعراف: ۷۰.

۸. اعراف: ۷۱.

۹. جزایری، النور المبین، ص ۱۳۶.

قوم عاد فکر کردند که این ابر مقدمه باران است و خدایانشان آن را فرستاده‌اند؛ اما حضرت هود به آنان گفت: «این عذابی است که خداوند برای شما مقرر کرده است؛ همان عذابی که شما از خدای من درخواست کرده‌اید».^۱ سپس باد شدید سردی وزید. قدرت آن چنان بود که کافران را مانند تنه‌های نخل از زمین جدا می‌کرد و اجساد آنان را به زمین می‌انداخت.^۲

اما حضرت صالح علیه السلام برای هدایت قوم ثمود، که در ناحیه حِجْر در ساحل دریای سرخ نزدیک وادی القری^۳ و در مسیر حجاز به شام^۴ زندگی می‌کردند، فرستاده شد.

قوم ثمود از صالح پیامبر خواستند که شترماده‌ای^۵ از دل کوه؛ به عنوان معجزه، بیرون بیاورد تا ایمان بیاورند.^۶ خدا خواسته آنان را برآورد و ناقه‌ای از دل کوه بیرون آمد. صالح علیه السلام به آنان هشدار داد تا متعرض ناقه نشوند.^۷ اما قوم ثمود ناقه را کشتند.^۸

حضرت صالح علیه السلام به آنان خبر داد: «پس از سه روز به عذاب خدا

۱. احقاف: ۲۴.

۲. قمر: ۱۸-۲۱.

۳. طبری، تاریخ الامم و الملکوک، ج ۱، ص ۲۲۶-۲۲۷.

۴. همان.

۵. کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۱۸۷.

۶. شعراء: ۱۵۴.

۷. اعراف: ۷۳؛ هود: ۶۴؛ شعراء: ۱۵۶.

۸. شعراء: ۱۵۷.

گرفتار می‌شوند».^۱ بنا بر برخی گزارش‌ها، در روز اول رنگ رخسار آنان زرد، روز دوم سرخ و روز سوم سیاه شد و سپس به عذاب الهی گرفتار و نابود شدند.^۲ قرآن از عذاب قوم ثمود با نام‌های صَاعِقَه^۳، صَيْحَه^۴ و رَجْفَه^۵ یاد کرده است.

از منطقه سکونت قوم عاد و ثمود، که این دو پیامبر به سوی آنها مبعوث شدند، معلوم می‌شود که بدن این دو پیامبر به سرزمین نجف منتقل شده است یا در اواخر عمر این دو پیامبر به این سرزمین کوچ کرده‌اند. اما محل دقیق دفن آنها معلوم نبوده یا در مکان فعلی شناخته نمی‌شده است.^۶ علامه بحرالعلوم (م ۱۲۱۲ق.) اولین بار نقطه‌ای را مشخص کرد تا حفر کنند. لوحی یافت شد که روی آن نوشته شده بود: «هَذَا قَبْرُ هُودٍ وَ صَالِحٍ».

بر طاق گنبد حضرت هود و صالح عليهما السلام نوشته شده: «اولین سایبانی

۱. هود: ۶۵.

۲. طبرسی، مجمع البیان، ج ۶، ص ۲۱.

۳. فصلت: ۱۳، ۱۷؛ ذاریات: ۴۴.

۴. هود: ۶۵.

۵. اعراف: ۷۸.

۶. تنها مجلسی در کتاب زاد المعاد در زیارت نامه امیرالمؤمنین عليه السلام به عنوان مجاوران آن حضرت یاد کرده است: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَعَلَى وَلَدَيْكَ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ وَعَلَى صَاحِبَيْكَ آدَمَ وَ نُوحَ وَعَلَى جَارِيكَ هُودٍ وَ صَالِحٍ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ...»؛ «سلام بر تو یا امیرالمؤمنین و بر دو فرزندت حضرت امام حسن و حسین و بر دو هم‌قبرت حضرت آدم و نوح و بر دو همسایهات حضرت هود و حضرت صالح...» (مجلسی، زاد المعاد - مفتاح

که بر فراز قبور مطهر هود و صالح ساخته شد، به فرمان سیدبحرالعلوم بود؛ چنان که نخستین ضریح چوبی نیز توسط ایشان تهیه و نصب گردید. آن گاه یکی از افراد خیر گنبد آن را با کاشی تزئین نمود و تولیت آن را به «محمدعلی قسام»، جد اعلاى تیره «آل قسام»، واگذار کرد و برخی از زمین‌های زراعتی ناحیه «کفل» را برای آن وقف نمود.^۱

در سال ۱۳۳۳ قمری، قبور مطهر هود و صالح علیهما السلام به دست نیروهای انگلیسی ویران شد.^۲ پس از رفع محاصره انگلیسی‌ها، در سال ۱۳۳۷ قمری، در همان نقطه‌ای که سیدبحرالعلوم تعیین کرده بود، بنای فعلی بازسازی شد.

دو- مقام امام صادق علیه السلام



۱. مهدی پور، «اماکن زیارتی منتسب به امام زمان علیه السلام (بخش: وادی السلام و پیشینه آن)».

مجله انتظار موعود، ش ۱۱ و ۱۲، ۱۹ دی ماه ۱۳۹۱.

۲. همان.

در کنار مقام امام زمان علیه السلام در وادی السلام بنائی کاشی کاری با محرابی کوچک وجود دارد که به مقام امام صادق علیه السلام شهرت دارد. از زمان ساخت آن و علت انتساب آن به امام صادق علیه السلام هیچ دلیل و نشانه‌ای وجود ندارد. اگر چه امام صادق علیه السلام به زیارت امیر المؤمنین علیه السلام مشرف گردیده و در سه نقطه نماز خواندند،^۱ اما هیچ نشانه تاریخی و روائی وجود ندارد که شاهد حضور امام صادق علیه السلام در این مکان و خواندن نماز در وادی السلام باشد. ابان بن تغلب می‌گوید:

كُنْتُ مَعَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فَمَرَّ بِظَهْرِ الْكُوفَةِ فَنَزَلَ وَصَلَّى رَكَعَتَيْنِ - ثُمَّ تَقَدَّمَ قَلِيلًا فَصَلَّى رَكَعَتَيْنِ ثُمَّ سَارَ قَلِيلًا فَنَزَلَ فَصَلَّى رَكَعَتَيْنِ ثُمَّ قَالَ هَذَا مَوْضِعَ قَبْرِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ فَمَا الْمَوْضِعُ الَّذِي صَلَّيْتَ فِيهِمَا قَالَ مَوْضِعُ رَأْسِ الْحُسَيْنِ علیه السلام وَ مَوْضِعُ مَنْبَرِ الْقَائِمِ علیه السلام.^۲

با امام صادق علیه السلام بودم به پشت کوفه گذر کرد. از مرکب پیاده شد و دو رکعت نماز خواند. سپس مقدار کمی جلوتر آمد و باز دو رکعت نماز خواند. مجدداً پیش رفت و پیاده شد و دو رکعت نماز خواند و فرمود: «اینجا محل قبر امام امیر المؤمنین علیه السلام است». عرض کردم: «فدایتان شوم دو موضعی که در آن نماز خواندید چه بود؟» فرمود: «جایگاه سر مبارک امام حسین علیه السلام و محل منبر حضرت مهدی علیه السلام».

۱. ابن قولویه، کامل الزیارات، ص ۳۴.

۲. همان.

به احتمال زیاد یکی از این مکان‌ها مسجد خنانه بوده که امام صادق علیه السلام در آن موضع نماز خوانده و سفارش به نماز کرده است.^۱

سه - مقام صاحب الزمان علیه السلام



داخل وادی السلام پس از عبور از مرقد حضرت هود و صالح علیهم السلام و رسیدن به خیابان اصلی موقعیتی وجود دارد که به مقام صاحب الزمان علیه السلام مشهور است. این مقام دارای گنبد و بارگاه کاشی کاری است؛ اما درباره تاریخ پیدایش این مقام و علت انتساب آن به ولی عصر علیه السلام و زمان ساخت این بنا و اولین فرد پایه گذار آن مطلب مشخص و مستندی وجود ندارد. آنچه مشخص است، سید بحر العلوم (م ۱۲۱۲ق) آن را بازسازی کرده^۲ و در سال ۱۳۱۰ قمری شخصی به نام سید محمدخان، یکی از پادشاهان هند، دوباره آن را تعمیر کرده است.

۱. طوسی، الأمالی، ص ۶۸۲.

۲. شوشتری، تحفة العالم، ج ۱، ص ۳۱۹.

علامه محمدتقی مجلسی (م ۱۰۷۰ق) از وجود این مقام در سال ۱۰۳۸ در کتاب *لوامع صاحبقرانی*، که در سال ۱۰۶۶ قمری به تألیف آن پرداخته، یاد کرده است.^۱

در محراب مقام حضرت مهدی علیه السلام سنگی موجود است که زیارتنامه حضرت بقیة الله علیه السلام بر آن نقش بسته است. تاریخ کنده‌کاری این سنگ نهم شعبان ۱۲۰۰ قمری است.^۲

چهار - قبور علما و مشاهیر مدفون در وادی السلام

به دلیل روایات موجود درباره فضایل وادی السلام و آثار دفن در این قبرستان بسیاری از دوستان اران امیر المؤمنین علیه السلام جهت بهره‌مندی از آثار این قبرستان و همجواری با امیر المؤمنین علیه السلام وصیت می‌کردند که در این قبرستان دفن شوند و حتی جنازه آنان از کشورهای دیگر به نجف منتقل می‌شد. بسیاری از مشاهیر دینی، سیاسی و اجتماعی شیعه به وصیت خود یا به خواست نزدیکانشان، در این قبرستان دفن شده‌اند. برخی از مشاهیر شیعه مدفون در این قبرستان عبارتند از: آیت الله آقا سیدجمال‌الدین گلپایگانی شارح صحیفه سجادیه، آیت الله آقا سیدجمال‌الدین افجه‌ای، عارف وارسته آیت الله سیدعلی آقا قاضی طباطبائی، آیت الله شهید سیدمحمدباقر صدر، آیت الله آقا محمدرضا تنکابنی، آیت الله آصفی، مرزدار آبهای نیلگون خلیج فارس شهید رئیس‌علی دلواری، شهید ابومهدی المهندس و شهیدان ایرانی

۱. مجلسی، *لوامع صاحبقرانی*، ج ۸، ص ۸۱۷.

۲. آل محبوبه، *ماضی النجف و حاضرها*، ج ۱، ص ۹۶.

مدافع حرم مدفون در وادی السلام، شهید محمدهادی ذوالفقاری، شهید علی نیسانی، شهید سیدحشمت علی شاه و... .

قاضی طباطبائی

سیدعلی قاضی طباطبائی در سال ۱۲۴۵ یا ۱۲۴۸ش در تبریز به دنیا آمد.^۱ نسبش به ابراهیم طباطبا از نوادگان امام حسن مجتبی علیه السلام می‌رسد.^۲ سیدعلی آقای قاضی فقیهی وارسته و مفسری توانا بود.^۳ اما شهرت او در عرفان و سیر و سلوک است. او نزد بزرگان حوزه نجف مانند: شیخ انصاری، محمدحسن مامقانی، شیخ الشریعة اصفهانی، آخوند خراسانی، فقه و حدیث و رجال را فرا گرفت.^۴ و در اخلاق و عرفان از سیداحمد کربلایی و آیت‌الله محمد بهاری بهره برد.^۵ آقا سید علی قاضی شاگردان بزرگی را در اخلاق و سیر و سلوک پرورش داد که می‌توان به علامه طباطبایی، سیدهاشم حداد، آیت‌الله بهجت، آیت‌الله سیدعبدالکریم کشمیری و... اشاره کرد.^۶ آقا قاضی در سال ۱۳۲۵ش در نجف درگذشت و آقا سیدجمال‌الدین گلپایگانی بر او نماز خواند و در وادی السلام به خاک سپرده شد.^۷

۱. آقا بزرگ طهرانی، طبقات اعلام الشیعة، ج ۱، قسم ۴، ص ۱۵۶۵.

۲. حسینی طهرانی، مهر تابان، ص ۳۲-۳۴.

۳. طبقات اعلام الشیعة، ج ۱، قسم ۴، ص ۱۵۶۶.

۴. همان.

۵. معلم حبیب آبادی، ج ۷، ص ۲۶۹۶.

۶. حسینی طهرانی، روح مجرد، ص ۱۰۱.

۷. معلم حبیب آبادی، ج ۷، ص ۲۶۹۶.



کراماتی از سیدعلی آقا قاضی

خبر از قیام امام خمینی رحمته الله علیه

حضرت آیت الله ناصری می فرمود: بنده مدتی نزد آیت الله شیخ عباس قوچانی شاگرد و وصی آیت الله سیدعلی آقا قاضی تلمذ کردم. هنگامی که از نجف به اصفهان برگشتم، مرحوم قوچانی به دیدار من آمد. یکی از خاطراتی که از استادش مرحوم قاضی برای بنده تعریف کرد این بود که قبل از سال ۱۳۲۵ شمسی یک روز عده‌ای از شاگردان آقای قاضی در جلسه درس ایشان نشسته بودند، امام خمینی - که طلبه جوانی بود - وارد مجلس درس آقای قاضی شد. آقای قاضی به احترام ایشان برخاست و او را کنار خود نشانید و موضوع بحث خود را - که ولایت بود - عوض کرد و به بحث قیام برحق و مباحث مربوط به آن پرداخت. پس از سخنان آقای قاضی، امام خمینی برخاست برود. آقای قاضی تا جلوی در او را بدرقه کرد. ما این طلبه جوان را نشناختیم. از مرحوم آقای قاضی سؤال کردیم ایشان چه کسی بود؟ آقا قاضی فرمود: «او روح الله خمینی است. او بر علیه ظلم و طاغوت قیام می کند و موفق می شود».^۱

۱. این خاطره را نویسنده این سطور مستقیماً از آیت الله ناصری شنیده است.

خبر از احوال دیگران

حجت الاسلام و المسلمین فاطمی نیا از قول آیت‌الله شیخ عباس قوچانی نقل کرد که مرحوم آقای قاضی هر روز یک ساعت می‌رفت قبرستان وادی السلام می‌نشست و به تفکر می‌پرداخت. این کار آقای قاضی برای من سؤال شده بود که آقای قاضی چرا این کار را می‌کند. یک شب زمستانی زیر کرسی پاهایم را دراز کرده بودم و قرآن می‌خواندم. در ذهنم این سؤال پیش آمد که آیا این پا دراز کردن من بی‌احترامی به قرآن نیست؟! برای خودم توجه کردم که زیر کرسی است. بنا بر این بی‌حرمتی محسوب نمی‌شود. تصمیم گرفتم فردا بروم با استادم آقای قاضی مشورت کنم که به ایران برگردم.

فردا صبح خدمت آقای قاضی رسیدم. قبل از اینکه فرصت سؤال پیدا کنم، آقای قاضی فرمود: «بنده صلاح نمی‌بینم که به ایران برگردی». دیدم آقای قاضی ذهن من را خواند. بعد فرمود: «اینکه پاهایت را زیر کرسی دراز کردی بی‌احترامی به قرآن است. از این سخنان آقای قاضی سخت تعجب کردم که از کجا خبر دارد که من شب، هنگام تلاوت قرآن، پاهایم را زیر کرسی دراز کرده‌ام، بعد فرمود: شاید پیش خودت می‌گویی آقای قاضی اینها را از کجا می‌داند؟ بله اینها را از آن یک ساعتی که در وادی السلام می‌نشستیم می‌دانم.^۱

۱. فاطمی نیا، سید عبدالله، نکته‌ها از گفته‌ها: گزیده‌ای از سخنرانی‌های استاد فاطمی نیا، مشهد،

ج) شیوه زیارت اهل قبور

یک- سلام کردن

امام صادق علیه السلام فرمود: هنگامی که انسان وارد قبرستان می شود یا بالای قبری حاضر می شود خوب است به اموات این گونه سلام دهد:

السَّلَامُ عَلَى أَهْلِ الدِّيَارِ مِنَ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُؤْمِنِينَ أَنْتُمْ لَنَا فَرَطٌ وَنَحْنُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ بِكُمْ لِأَحِقُونَ.^۱

یا این سلام را که امیر المؤمنین علیه السلام می خواند:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ السَّلَامُ عَلَى أَهْلِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مِنْ أَهْلِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ يَا أَهْلَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ بِحَقِّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ كَيْفَ وَجَدْتُمْ قَوْلَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مِنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ بِحَقِّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ اغْفِرْ لِمَنْ قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاحْشُرْنَا فِي زُمْرَةِ مَنْ قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ.^۲

دو- تلاوت هفت بار سوره قدر

امام رضا علیه السلام فرمود:

مَنْ آتَى قَبْرَ أَخِيهِ ثُمَّ وَضَعَ يَدَهُ عَلَى الْقَبْرِ وَقَرَأَ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ سَبْعَ مَرَّاتٍ أَمِنَ يَوْمَ الْفَرَجِ الْأَكْبَرِ أَوْ يَوْمَ الْفَرَجِ.^۳

کسی که به زیارت قبر برادرش بیاید و دست خود را روی قبر او بگذارد و سوره ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ﴾ را هفت مرتبه بخواند، از عذاب و سختی روز قیامت نجات می یابد.

۱. کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۲۲۹.

۲. شعیری، جامع الاخبار، ص ۵۰.

۳. الکافی، ج ۳، ص ۲۲۹.

سه- تلاوت یازده بار سوره توحید

امام علی بن موسی الرضا علیه السلام فرمود:

مَنْ مَرَّ عَلَى الْمَقَابِرِ وَقَرَأَ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ إِحْدَى عَشْرَةَ مَرَّةً ثُمَّ وَهَبَ أَجْرَهُ لِلْأَمْوَاتِ أُعْطِيَ مِنَ الْأَجْرِ بِعَدَدِ الْأَمْوَاتِ.^۱

کسی که به قبرستان برود و سوره «قل هو الله احد» را یازده مرتبه بخواند و ثواب آن را برای اموات بفرستد، به عدد مردگان به او پاداش داده می‌شود.

چهار- خواندن آیه الکرسی

امام علی علیه السلام فرمود:

إِذَا قَرَأَ الْمُؤْمِنُ آيَةَ الْكُرْسِيِّ وَجَعَلَ ثَوَابَ قِرَائَتِهِ لِأَهْلِ الْقُبُورِ جَعَلَ اللَّهُ تَعَالَى مِنْ كُلِّ حَرْفٍ مَلَكًا يُسَبِّحُ لَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.^۲

هنگامی که مؤمن آیه الکرسی را بخواند و ثواب آن را به اهل قبرستان هدیه کند، خداوند به ازای هر حرف آن ملکی قرار می‌دهد که تا روز قیامت برای او تسبیح می‌کنند.

پنج- خواندن سوره «یس»

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

مَنْ دَخَلَ الْمَقَابِرَ فَقَرَأَ سُورَةَ يَسْ خَفَّفَ اللَّهُ عَنْهُمْ يَوْمَئِذٍ وَكَانَ لَهُ بِعَدَدِ مَنْ فِيهَا حَسَنَاتٌ.^۳

۱. جامع الأخبار، ص ۱۶۸.

۲. دیلمی، ارشاد القلوب، ج ۱، ص ۱۷۶.

۳. ابن فهد حلی، عتة الداعی، ص ۱۰۵.

کسی که وارد قبرستان شود و سوره یس را تلاوت کند، خداوند بر اهل قبرستان تخفیف می‌دهد و به عدد مردگان قبرستان به او حسنه می‌دهد.

شش- خواندن دعا

از امام باقر (ع) خواندن این دعا بالای قبر وارد شده است:

اللَّهُمَّ ارْحَمْ غُرْبَتَهُ وَصِلْ وَحَدَنَهُ وَآنِسْ وَحَشْتَهُ وَآمِنْ رَوْعَتَهُ وَأَفْضُ
عَلَيْهِ مِنْ رَحْمَتِكَ وَأَسْكِنْ إِلَيْهِ مِنْ بَرْدِ عَفْوِكَ وَسَعَةِ عُمْرَانِكَ وَرَحْمَتِكَ
رَحْمَةً يَسْتَغْنِي بِهَا عَنْ رَحْمَةِ مَنْ سِوَاكَ وَاحْشُرْهُ مَعِ مَنْ كَانَ يَتَوَلَّاهُ.^۱

خدایا به بی‌کسی او رحم کن و تنهایی او را به وصلت برسان؛ وحشت او را به انس مبدل ساز و اضطرابش را به امنیت بدل گردان و از رحمت خود بر او افاضه کن و از عفو گوارایت و بخشش وسعت بر او برکت فرست. رحمتی که به واسطه آن از رحمت دیگری بی‌نیاز گردد و او را با کسانی که دوست دارد محشور کن.

د) رفتارهای خرافی در وادی السلام

بعضی رفتارها در این قبرستان صورت می‌گیرد که هیچ ریشه شرعی ندارند و خرافه و بی‌اساس است. یکی از این رفتارها این است که بعضی افراد نام خود را روی سنگ‌های این قبرستان حک می‌کنند تا روحشان بعد از مرگ به این قبرستان منتقل شود. یا خاک برداشتن از قبرستان برای تبرک یا اینکه ناخن و موی خود را در اینجا دفن می‌کنند.

همان‌طور که گفته شد بر اساس روایات اگر فردی صالح و مؤمن از دنیا برود، هر کجای عالم باشد، روحش به وادی السلام منتقل می‌گردد؛ اما اگر مؤمن و صالح نباشد، حتی اگر در وادی السلام دفن شود، هیچ ثمری برای او نخواهد داشت و بنا بر بعضی روایات روح او به برهوت منتقل می‌شود.

۲. صافی الصفا



در جهت غرب شهر در کنار دریای نجف مقامی وجود دارد که به مقام امیرالمؤمنین ع معروف بوده است. مردم آن را صافی صفا نام گذاشته‌اند. حضرت امیرالمؤمنین ع در ایام خلافت خویش وقتی می‌خواستند با خویش خلوت کنند به این مکان می‌آمدند و در اینجا نماز می‌خواندند. دلیل تاریخی که نشان می‌دهد حضرت امیرالمؤمنین ع در

۱. در اصطلاح شیعه به مکانی که پیامبران یا یکی از معصومین در آنجا نماز خوانده‌اند، مقام گفته می‌شود.

این مکان نماز می‌خواندند، سنگ‌نوشته‌ای است که در اینجا یافت شده است. در این مکان دو سنگ‌نوشته سفید یافت شده است که روی آنها دو قصیده نقش بسته که نشان می‌دهد مقام حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در این مکان است.

سنگ‌نوشته دوم تاریخ ۱۱۷۰ هجری را نشان می‌دهد و قصیده‌ای شامل ده بیت و با حرف روی (میم) نقش بسته که به مقام امیر المؤمنین علیه السلام نیز اشاره دارد. مطلع این قصیده به این شرح است:

فَنَاهِيكَ صَرَحًا يَزْدَرِي كُلُّ مَنْزِلٍ *** أَنَاخَ عَلَى الْعُلْيَا بِأَعْظَمِ كَلْكَلٍ

در صافی صفا آرامگاه مؤمنی معتقد به ولایت امیر المؤمنین علیه السلام از اهالی یمن به نام «أُثَيْبِ يَمَانِي» قرار دارد که به آن مقبرة الصفا (یعنی مقبره سنگ) نیز گفته می‌شود.

بیکر اُثَيْبِ، بنا بر وصیتش از یمن به نجف منتقل شد تا در این زمین مبارک به خاک سپرده شود. روزی حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در این مکان به راز و نیاز مشغول بودند یک شترسوار، که جنازه‌ای به همراه داشت، نزد امام علیه السلام آمد. مرد شترسوار به امام سلام کرد. امام پاسخ سلام او را دادند و پرسیدند: «از کجا می‌آیی؟» آن مرد گفت: «از یمن». امام علیه السلام پرسید: «این جنازه کیست که به همراه داری؟» مرد پاسخ داد: «این جنازه پدرم است که برای دفن کردنش به اینجا آورده‌ام». امام علیه السلام پرسیدند: «چرا در سرزمین خود دفنش نکردی؟»

مرد گفت: «پدرم وصیت کرد که مرا در این مکان دفن کنید. پدرم می‌گفت در این سرزمین مردی دفن خواهد شد که مردمی را به اندازه

قبیله ربیعہ و مضر شفاعت خواهد کرد».

امام فرمودند: «آیا آن مرد را می‌شناسی؟» مرد گفت: «خیر». امام علیه السلام فرمودند: به خدا قسم، من همان مردی هستم که تو می‌گویی. سپس جنازه را به خاک سپردند.^۱

بعدها این مکان «صافی صفا» نام گرفت و کنار آن مسجدی ساخته شد. احتمال می‌رود حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در همین مکان عبادت کرده و بر جنازه یمانی نماز خوانده باشند.^۲

۳. مقام امام زین العابدین علیه السلام



در جانب قبله حرم امیر المؤمنین علیه السلام، در نزدیکی مرقد صافی صفا بقعه‌ای وجود دارد که به مقام امام زین العابدین علیه السلام شناخته می‌شود. روایت است که امام سجاد علیه السلام بارها به زیارت جدش امیر المؤمنین علیه السلام

۱. دیلمی، *إرشاد القلوب*، ج ۲، ص ۴۴۰.

۲. آمین، *أعيان الشيعة*، ج ۱، ص ۴۰۲.

مشرف شد و در این مکان، که به مقام حضرت مشهور است، بیتوته می‌کرد. جابر جعفی از امام باقر علیه السلام روایت می‌کند: «مَضَى أَبِي إِلَى قَبْرِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ بِالْبَجَازِ^۱ وَ هُوَ مِنْ نَاحِيَةِ الْكُوفَةِ فَوَقَفَ عَلَيْهِ ثُمَّ بَكَى»^۲.

در روایت دیگری که ابو حمزه ثمالی روایت می‌کند که با امام سجاد علیه السلام به زیارت قبر امام علی بن ابی طالب علیه السلام در غری آمدیم. حضرت زیارت «امین الله» را قرائت کرد. پس از زیارت قبر شریف با آن وداع کرد و به مدینه بازگشت و من هم به کوفه بازگشتم.^۳

۴. مساجد معروف نجف

الف) مسجد حنانه



در شمال نجف در فاصله ۲/۵ کیلومتری حرم امیر المؤمنین علیه السلام

۱. کنایه از طی الارض است.

۲. طوسی، مصباح المتعجد، ص ۷۳۸.

۳. نقفی، الغارات، ج ۱، ص ۸۴۹.

در مسیر کوفه به نجف مسجدی قرار دارد که به مسجد حنانه^۱ شهرت یافته است. این مسجد مورد توجه مردم کوفه و نجف و زائرین اعتبار مقدس است. درباره تاریخچه این مسجد از امام صادق علیه السلام روایت شده است که این نقطه جای سر مبارک امام حسین علیه السلام و محلی است که مقابل بدن مطهر امیر المؤمنین علیه السلام ادای احترام کرده و از آن ناله‌ای برخاسته است.^۲

صفوان جمال از امام صادق علیه السلام سؤال کرد: «چگونه امیر المؤمنین علیه السلام را زیارت کنیم؟» (چون صفوان ساکن کوفه بود حضرت آداب زیارت را از هنگام خروج از خانه در کوفه بیان کرد) امام صادق علیه السلام فرمود:

هنگامی که به «ثَوْبِيَّة»^۳ - که هم‌اکنون تلی نزدیک حنانه در چپ جاده قرار دارد - رسیدی، دو رکعت نماز بخوان؛ زیرا روایت شده عده‌ای از یاران خاص امیر المؤمنین علیه السلام در اینجا دفن شده‌اند. و هنگامی که به علم (نشانه)، که همان حنانه است، رسیدی دو رکعت نماز بخوان.^۴

مفضل بن عمر روایت می‌کند که امام صادق علیه السلام از ستون (دیوار) کج شده در مسیر نجف عبور کرد و دو رکعت نماز خواند. از حضرت سؤال شد: «این چه نمازی بود؟» حضرت فرمود:

هَذَا مَوْضِعُ رَأْسِ جَدِّي الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام وَصَعُوهُ هَاهُنَا لَمَّا تَوَجَّهُوا

۱. حنه، یعنی ناله، ناله شتر را در فراق بچه‌اش می‌گویند، حنان یعنی عطف و مهربان.

(ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۳، ۱۲۹).

۲. طوسی، الامالی، ص ۶۸۲.

۳. ثوبیه، محل قبر کمیل و اطراف آن است که تعدادی از یاران امیر المؤمنین علیه السلام در این منطقه دفن شده‌اند.

۴. مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۲۸۱.

مِنْ كَرْبَلَاءَ ثُمَّ حَمَلُوهُ إِلَى عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ زَيْدٍ لَعَنَهُ اللَّهُ.^۱

اینجا مکانی است که سر جدم حسین بن علی علیه السلام را هنگامی که از کربلا به کوفه می آوردند در آن گذاشتند و سپس نزد عبیدالله بن زید لعنت الله علیه بردند.

همچنین عبدالله بن مسکان از امام صادق علیه السلام روایت می کند که از حضرت از ستون (دیوار) کج شده در مسیر نجف سؤال کردم، حضرت فرمود:

نَعَمْ، إِنَّهُ لَمَّا جَاوَزَ سَرِيرُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ علیه السلام أَنْحَنِيَ أَسْفَاً وَحُزْناً عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام وَكَذَلِكَ سَرِيرُ أَبْرَهَةَ لَمَّا دَخَلَ عَلَيْهِ عَبْدُ الْمُطَّلِبِ أَنْحَنِيَ وَوَمَالَ.^۲

بله هنگامی که جنازه امیر المؤمنین علیه السلام عبور کرد از تاسف و غم بر امیر المؤمنین علیه السلام خم شد، همان طور که تخت ابرهه هنگامی که عبدالمطلب وارد شد، در برابر او خم شد و مایل گشت.

اعمال مسجد حنانه

- خواندن نماز

خواندن دو رکعت نماز در مسجد حنانه توصیه شده است. این عمل تاسی به امام صادق علیه السلام است که در این مکان نماز خوانده اند.^۳

- خواندن دعا

۱. الأمالی، ص ۶۸۲.

۲. طوسی، الأمالی، ص ۶۸۲.

۳. همان.

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که این دعا در مسجد حنانه

خوانده شود:

اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَرَى مَكَانِي وَ تَسْمَعُ كَلَامِي وَ لَا يُخْفِي عَلَيْكَ شَيْءٌ مِنْ أَمْرِي
وَ كَيْفَ يُخْفِي عَلَيْكَ مَا أَنْتَ مُكُونُهُ وَ بَارِئُهُ وَ قَدْ جِئْتُكَ مُسْتَشْفِعاً بِنَبِيِّكَ
نَبِيِّ الرَّحْمَةِ وَ مُتَوَسِّلاً بِوَصِيِّ رَسُولِكَ فَاسْأَلُكَ بِهِمَا ثَبَاتَ الْقَدَمِ وَ الْهُدَى وَ
الْمُغْفِرَةَ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ.^۱

خدایا تو جایگاه من را می بینی و کلام من را می شنوی و چیزی از
امر من بر تو پوشیده نیست. چگونه بر تو پوشیده باشد آن چیزی
که تو خالق و آفریننده آن هستی. خدایا به سوی تو آمده ام و با
توسل به پیامبرت نبی رحمت از تو طلب شفاعت دارم و به جانشین
پیامبرت توسل می جویم و با توسل به آن دو از تو درخواست ثبات
قدم و هدایت بخشش در دنیا و آخرت دارم.

ب) مسجد عمران بن شاهین



از قدیمی ترین مساجد نجف است که در اواسط قرن چهارم هجری

۱. ابن مشهدی، المزار الکبیر، ص ۱۸۲.

توسط عمران بن شاهین ساخته شد. عمران یکی از شورشیان علیه حکومت عضدالدوله بویه بود که شکست خورد و با خود عهد کرد که چنانچه سلطان از وی درگذرد، دو رواق، یکی در نجف و دیگری در کربلا، بنا کند. رواقی که در نجف ساخت در سمت شمالی حرم مطهر در جانب پشت قبله حرم مطهر قرار دارد.^۱

ج) مسجد الخضراء

این مسجد در جهت شمال شرقی دیوار خارجی صحن شریف واقع شده و مدخل آن از ایوان دوم دیوار شرقی است. این مسجد بسیار قدیمی است و تاریخ ساختن آن معلوم نیست و گمان می‌رود که آن را علی بن مظفر ساخته باشد. مسجد مذکور در سال ۱۳۸۸ قمری به طرز زیبایی بازسازی شد و برای ده‌ها سال از مراکز اصلی تدریس در حوزه علمیه نجف به شمار می‌رفت.^۲

د) مسجد الرأس (بالاسر)

مسجدی بسیار قدیمی، چون سمت بالاسر مطهر حضرت قرار دارد به آن مسجد رأس می‌گویند. تاریخ بنای آن به دوره پادشاهان ایلخانی باز می‌گردد که بارها بازسازی شد و آخرین بار در سال ۱۳۰۶ قمری از طرف نادرشاه افشار تجدید بنا گردید.

۱. مقدسی، راهنمای اماکن زیارتی و سیاحتی عراق، ص ۱۱۴.

۲. علاوه بر این، این مسجد حوزه درس و بحث مرحوم آیت‌الله خوبی بوده و توسط شیخ احمد انصاری قمی بازسازی شده است. (فانندان، عتبات عالیات عراق، ص ۴۸).



ه) مسجد شیخ مرتضیٰ انصاری

در محله «حویش» قرار دارد و با مساعدت و نظارت شیخ مرتضیٰ انصاری ساخته شده است. سیدمحمدکاظم یزدی (م ۱۳۳۷ق.) و امام خمینی علیه السلام از جمله کسانی هستند که در این مسجد تدریس می‌کرده‌اند.^۱

۵. قبور اصحاب امیر المؤمنین علیه السلام

در نجف اشرف برخی از صحابه، تابعین و یاران امام علی علیه السلام به خاک سپرده شده‌اند. بسیاری از اینها در ثویه، سه کیلومتری نجف، بین راه مسجد حنانه و مسجد کوفه دفن هستند که در حال حاضر از قبور آنان به جز قبر کمیل بن زیاد، که دارای زیارتگاه است، آثاری باقی نمانده. مشهورترین این افراد عبارتند از:

الف) مرقد کمیل بن زیاد





فصل سوم: اماکن مقدس نجف

کَمیل بن زیاد بن نُهیک، از قبیله مذحج (یکی از قبایل یمن) است.^۱ بیشتر مؤرخان شهادت او را در سال (۸۲ق)^۲ یا (۸۳ق)^۳ و یا (۸۸ق)^۴ ذکر کرده‌اند. با توجه به سال‌هایی که برای شهادت او نقل کرده‌اند، می‌توان گفت در سال ۱۲ هجری یا ۱۳ هجری یا سال ۱۸ هجری متولد شده است.^۵

حضور کَمیل در صحنه سیاسی جامعه آن روز به زمان خلافت عثمان (۲۴-۳۵) بر می‌گردد که به دلیل اعتراض و مخالفت با شیوه حکومتی عثمان و فرمانداران او به دستور عثمان، کَمیل و چند تن از دوستان او از کوفه به شام^۶ و بار دیگر به حمص^۷ تبعید شدند.

کَمیل از اولین کسانی بود که با امام علی علیه السلام بیعت کرد.^۸ و از طرفداران سرسخت امیر المؤمنین علیه السلام و از افراد نزدیک به آن حضرت بود. متقابلاً حضرت علی علیه السلام هم کَمیل را یکی از افراد مورد اعتماد خود می‌شمرد و درباره او و دوستانش فرمود:

شما یاری کنندگان حق و برادران در دین و سپر در روز سختی، به‌وسیله شما پشت کنندگان به دین را می‌زنم و از رو کنندگان امید

۱. ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۶، ص ۲۱۷.

۲. ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۶، ص ۱۷۷.

۳. طبری، تاریخ طبری، ج ۸، ص ۳۷۱۶.

۴. ابن حجر عسقلانی، تهذیب‌التهذیب، ج ۸، ص ۴۰۲.

۵. همان

۶. تاریخ طبری، ترجمه ج ۶، ص ۲۱۹۹.

۷. تاریخ الاسلام، ج ۳، ص ۴۳۲.

۸. بلاذری، انساب الاشراف، ج ۵، ص ۵۱۷.

طاعت دارم. پس مرا یاری کنید به خیرخواهی خالی از هر غش و سالم از هر شک.^۱

کمیل مونس خلوت‌های امیرالمؤمنین علیه السلام بود. دعای کمیل یکی از آموخته‌های او از امیرالمؤمنین علیه السلام است. کمیل روایات زیادی از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرده است که بخشی از آنها به وصایای امیرالمؤمنین علیه السلام به کمیل معروف است.^۲

کمیل در جنگ‌های امیرالمؤمنین علیه السلام با قاسطین^۳، ناکثین و مارقین در کنار علی علیه السلام حضور داشت.^۴ در سال ۳۹ قمری کمیل بن زیاد از طرف امیرالمؤمنین علیه السلام به فرمانداری شهر هیت^۵ منصوب شد. پس از شهادت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام با امام حسن مجتبی علیه السلام بیعت، و در کنار ایشان بود.

در زمان امام حسین علیه السلام کمیل به دستور معاویه و یزید و به جرم دلدادگی و طرفداری از اهل بیت علیهم السلام به زندان افتاد و تا پس از واقعه عاشورا در زندان بود.

- کیفیت شهادت کُمیل

هنگامی که حجاج بن یوسف ثقفی فرماندار کوفه شد، یکی از مأموران خود را به دنبال کمیل فرستاد. کمیل گریخت و مخفی شد. حجاج که این خبر را شنید، همه حقوق فامیل و قبیله کمیل را از بیت

۱. ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغة، ج ۷، ص ۲۸۴.

۲. ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۱۷۵ - ۱۷۶.

۳. ابن سعد، الطبقات، ج ۶، ص ۲۱۷.

۴. ابن اعثم کوفی، الفتوح، ج ۲، ص ۳۸۷.

۵. یکی از شهرهای استان الانبار عراق.

المال قطع کرد. وقتی کمیل از جریان با خبر شد، خود را تسلیم حجاج کرد. هنگامی که حجاج او را دید، گفت: بسیار دوست داشتم تو را بیابم! کمیل گفت: «امیر مؤمنان علیه السلام به من خبر داده بود که به دست تو به قتل خواهم رسید!» بعد از سخنانی که بین آنان رد و بدل شد حجاج به مأمورانش اشاره کرد: گردنش را بزنید...!»^۱

- دعای کمیل

کمیل بن زیاد می‌گوید: (بعد از جنگ جمل) با مولایم امیر المؤمنین علیه السلام و عده‌ای از اصحاب ایشان در مسجد بصره نشسته بودیم، یکی از آنها گفت: معنای این سخن پروردگار چیست؟ «**فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ**»^۲ امام علی علیه السلام فرمود: شب پانزدهم ماه شعبان مراد است. قسم به کسی که جان علی در دست اوست هیچ بنده‌ای نیست مگر اینکه همه آنچه بر او جاری می‌شود از خیر و شر قسمت شده در شب نیمه شعبان تا آخر سال برای او روی می‌کند. هیچ بنده‌ای نیست که این شب را احیا بدارد و دعای خضر را بخواند مگر اینکه مورد اجابت قرار می‌گیرد.

هنگامی که شب شد در مسیر راه با ایشان بودم، فرمود: «چه چیزی مشغولت کرده کمیل؟» عرض کردم: «یا امیر المؤمنین علیه السلام دعای خضر». فرمود: «ای کمیل بنشین هنگامی که این دعا را نوشتی اگر می‌توانی هر شب جمعه یا هر ماه یکبار یا هر سال یکبار یا در عمرت

۱. مفید، *الإرشاد*، ج ۱، ص ۳۲۸.

۲. دخان: ۱۴.

یکبار بخوان تو را کفایت می‌کند؛ یاری خواهی شد، روزی داده خواهی شد و از مغفرت محروم نخواهی گشت. ای کمیل طولانی شدن مصاحبت با ما لازم کرد برای تو که به آنچه سؤال کردی جواب گویم. سپس فرمود: بنویس [و شروع به انشای دعا کرد]: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ الَّتِي وَسَعَتْ كُلَّ شَيْءٍ وَبِقُوَّتِكَ الَّتِي فَهَرَّتْ بِهَا كُلُّ شَيْءٍ وَخَضَعَ لَهَا كُلُّ شَيْءٍ...»^۱

ب) سهل بن حنیف

از یاران رسول خدا ﷺ بود و در همه جنگ‌ها کنار آن حضرت با کافران و مشرکان جنگید. سهل در عصر خلافت امام علی عَلِيٌّ نیز از یاران او بود و امام او را عضو «شُرطة الخَمِيس» و به حکومت بصره منصوب کرد. او هنگام جنگ جمل استاندار بصره بود. در جنگ‌های صفین و نهروان نیز حضور یافت. سهل در سال ۳۸ هجری در کوفه از دنیا رفت و امام بر جنازه‌اش نماز گزارد.^۲

ج) عثمان بن حنیف

او از صحابه پیامبر ﷺ و یاران امام علی عَلِيٌّ است که از طرف آن امام به حکومت بصره گمارده شد. سپاهیان جمل پس از گرفتن بصره او را تحقیر و آزار و سپس رها کردند. او در کوفه ساکن شد و زمان معاویه از دنیا رفت.^۳

۱. ابن طاووس، *إقبال الأعمال*، ج ۲، ص ۷۰۶.

۲. کمونه حسینی، *آرامگاه‌های خاندان پاک پیامبر ﷺ* و صحابه و تابعین، ص ۲۵۲.

۳. همان، ص ۲۵۵.

د) عبیدالله بن ابی رافع

عبیدالله بن ابی رافع از یاران امام علی ع کاتب حضرت و از رجال برجسته و ادیب عصر خود بود. او را نخستین کسی می دانند که به سیره نویسی در تاریخ اسلام رو آورد؛ از او کتاب قضایای امیر المؤمنین ع و (تسمیه من شهد مع امیر المؤمنین ع الجمل و صفین و نهروان) به جا مانده است.^۱

ه) خَبَاب بن ارت

خَبَاب صحابه خاص رسول اکرم ص بود و در جنگ های صدر اسلام حضور داشت. در جنگ جمل، صفین و نهروان در رکاب امام علی ع جنگید. او در ۳۷ قمری در کوفه از دنیا رفت و علی ع بر جنازه اش نماز خواند.^۲

و) رُشید هَجَری

یکی دیگر از یاران و پیروان خاص امام علی ع بود که جان خویش را در راه دوستی و عشق به امام علی ع گذاشت و به دست افراد معاویه به شهادت رسید.^۳ قبر او با گنبد و بقعه ای در نزدیکی پل عباسیه نزدیک شهر کفل است.^۴

۱. طوسی، الفهرست، ص ۱۰۷.

۲. مقدسی، راهنمای اماکن زیارتی و سیاحتی در عراق، ص ۶۹.

۳. ابن حجر عسقلانی، الاصابه، ج ۲، ص ۲۸۰.

۴. کمونه حسینی، آرامگاه های خاندان پاک پیامبر و صحابه و تابعین، ص ۲۵۴.

(ز) قنبر

یکی از خدمتگزاران باوفای امام علی عَلَيْهِ السَّلَام بود که در ثوبه^۱ به خاک سپرده شده است.^۲ البته در شهر حمص سوریه نیز قبری وجود دارد که منسوب به قنبر، غلام علی عَلَيْهِ السَّلَام است.^۳

(ح) عمرو بن حَمِقْ خُزَاعِي

عمرو بن حمق خزاعی از یاران پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و امام علی عَلَيْهِ السَّلَام است. او به دستور معاویه به شهادت رسید و در ثوبه به خاک سپرده شد. عمرو بن حمق از مخالفان سرسخت و جدی عثمان، خلیفه سوم بود که در محاصره منزل خلیفه نیز حضور داشت.^۴

(ط) سَلِيمُ بْنُ قَيْسِ هَلَالِي

از یاران امام علی عَلَيْهِ السَّلَام و راوی اسرار آل محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است. کتاب او نخستین منبع در تاریخ تشیع است. سلیم بن قیس نیز در ثوبه دفن شده است.^۵

۱. ثوبه مؤنث نومی بیابانی در بیرون کوفه بود که گروه زیادی از صحابه، تابعین و یاران نزدیک امام علی عَلَيْهِ السَّلَام در آن دفن شدند (وفیات الاعیان، ج ۲، ص ۵۰۶؛ تاریخ الکوفه، ص ۲۶۸) امروزه شهر نجف منطقه ثوبه و غری را در بر گرفته است. (المفصل فی تاریخ النجف الاشرف، ج ۱، ص ۱۸۶).

۲. با توجه به اینکه قتل قنبر به دست منصور دوانیقی بوده و او هم استاندار بنی امیه در کوفه بود باید قبر قنبر در کوفه و در ثوبه باشد. (عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۵۹؛ شیخ مفید، الارشاد، ج ۱، ص ۳۲۸).

۳. فائدان، عتبات عالیات عراق، ص ۵۴.

۴. همان، ص ۵۷.

۵. همان، ص ۵۶.

ی) صعصعة بن صوحان



صعصعه در جنگ‌ها در کنار امیر المؤمنین علیه السلام بود و در صفین یکی از فرماندهان حضرت به‌شمار می‌رفت. دو برادرش زید و سبحان هم حضور داشتند. بین این سه برادر، سبحان خطیب بود و پرچم نیز در دست او بود و چون به شهادت رسید، زید (برادر دیگرش) پرچم را به دست گرفت و چون او نیز به شهادت رسید، صعصعه پرچم را به دست گرفت. او در روزگار معاویه در کوفه درگذشت.^۱

گفته شده قبر صعصعة بن صوحان در منطقه «ثَوْبِيَّة» در نجف واقع شده است و در سرزمین بحرین نیز قبر مشهور و معروفی است که می‌گویند قبر صعصعة بن صوحان است. این قبر در جزیره عسکر قرار دارد و نزد عامه مسلمانان، چه شیعه و چه سنی، مورد احترام و تقدیر است.^۲

۱. ثقفی، الغارات، ج ۲، ص ۸۹۱.

۲. مرآة المعارف، ج ۱، ص ۴۰.

منابع

قرآن کریم.

۱. آقا بزرگ تهرانی، محمد محسن، **نقباء البشر**، محقق عبدالعزیز طباطبائی، مشهد، دار المرتضی، ۱۴۰۴ق.
۲. _____، **طبقات اعلام الشيعة نقباء البشر في القرن الرابع عشر**، مشهد، آستان قدس رضوی بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۸۸ش.
۳. آل محبوبه، جعفر باقر، **ماضی النجف و حاضرها**، بیروت، چاپ دوم، دار الاضواء، ۱۹۸۶م.
۴. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، **شرح نهج البلاغة**، چاپ اول، بیروت، دار احیاء الکتب العربیه، ۱۴۰۷ق.
۵. ابن اثیر، علی بن محمد، **الکامل فی التاریخ**، بیروت، دار صادر و دار بیروت، ۱۳۸۵ق.
۶. ابن اعثم کوفی، محمد بن علی، **الفتوح**، تحقیق علی شیری، بیروت، دار الأضواء، ۱۴۱۱ق.

٧. ابن جوزى، عبدالرحمان بن على، المتتظم فى تاريخ الأمم و الملوك، تحقيق محمد عبدالقادر عطا و مصطفى عبدالقادر عطا، چاپ اول، بيروت، دار الكتب العلمية، ١٤١٢ق.
٨. ابن حجر عسقلانى، احمد بن على، الاصابة فى معرفة الصحابة، مصر، السعادة، ١٣٢٨ق.
٩. _____ ، تهذيب التهذيب، به كوشش مصطفى، بيروت، دار الكتب العلمية، ١٤١٥ق.
١٠. ابن سعد، محمد بن سعد، الطبقات الكبرى، تحقيق محمد عبدالقادر عطا، چاپ اول، بيروت، دار الكتب العلمية، ١٤١٠ق.
١١. ابن شعبه حرانى، حسن بن على، تحف العقول عن آل الرسول، مصحح على اكبر غفارى، قم، جامعه مدرسين، ١٤٠٤ / ١٣٦٣ق.
١٢. ابن شهر آشوب، محمد بن على، معالم العلماء، مشهد، مؤسسه آل البيت عليه السلام، ١٣٩٠ش.
١٣. ابن طاووس، عبدالكريم بن احمد، فرحة الغرى فى تعيين قبر امير المؤمنين على بن ابي طالب عليه السلام فى النجف، قم، منشورات الرضى، بى تا.
١٤. ابن طاووس، على بن موسى، اقبال الاعمال، به كوشش القيومى، قم، دفتر تبليغات، ١٤١٨ق.
١٥. ابن عبدالبر، يوسف بن عبدالله، الاستيعاب، تحقيق على محد البجاوى، بيروت، دارالجليل، ١٤١٢ق / ١٩٩٢م.
١٦. ابن فهد حلى، احمد بن محمد، عدة الداعى و نجاح الساعى، مصحح احمد موحدى قمى، دار الكتب الإسلامى.

۱۷. ابن قولویه، جعفر بن محمد، کامل الزیارات، تحقیق عبدالحسین امینی، نجف، دار المرتضویة، ۱۳۵۶ ش.
۱۸. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، قصص الانبیاء، تحقیق مصطفی عبدالواحدی، چاپ چهارم، بیروت، مؤسسه علوم القرآن، ۱۴۱۱ ق.
۱۹. ابن مشهدی، محمد بن جعفر، المزار الکبیر، محقق جواد، قیومی اصفهانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۹ ق.
۲۰. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، محقق جمال الدین میر دامادی، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، چاپ سوم، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۴ ق.
۲۱. ابو نعیم اصفهانی، احمد بن عبدالله، حلیة الاولیاء، قاهره، دار ام القری، بی تا.
۲۲. ابوالصلاح الحلبی، تقی بن نجم، تقریب المعارف، مصحح الحسون، قم، الهادی، ۱۴۰۴ ق.
۲۳. اشراقی، شهاب الدین، «مصاحبه با آیت الله حاج شیخ شهاب الدین اشراقی رحمته الله علیه»، یادها و یادمانها از آیت الله سید مصطفی خمینی رحمته الله علیه، ج ۵، قم: کنگره شهید آیت الله مصطفی خمینی رحمته الله علیه، ۱۳۷۶ ش.
۲۴. امین، سید محسن، اعیان الشیعة، تحقیق حسن الامین، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۰۶ ق.
۲۵. باقی، عماد الدین، «مروری بر زندگینامه آیت الله شهید حاج سید مصطفی خمینی»، اطلاعات (ویژه نامه)، ش ۲۲۲۷، ۱ آبان ۱۳۷۶ ش.

۲۶. براقی نجفی، حسین، تاریخ النجف المعروف بالیتیمة الغریبة و التحفة النجفیه فی الارض المبارکة الزکیة، حسین براقی، بیروت، دار المورخ العربی، ۱۴۳۰ق.
۲۷. برقی، احمدین محمد، المحاسن، تصحیح محدث جلال الدین، قم، ۱۳۷۰ق.
۲۸. بلاذری، احمد بن یحیی، جمل من أنساب الأشراف، تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی، با اشراف مکتب البحوث والدراسات، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۷ق.
۲۹. پیری سبزواری، حسین، «آیت الله العظمی سید ابوالقاسم خویی؛ قرآن شناس بزرگ معاصر»، ماهنامه گلستان قرآن، ش ۱۲۶، آبان ۱۳۸۱ش.
۳۰. ترکمان، اسکندر بیگ، عالم آرای عباسی، محقق ایرج افشار، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۲ش.
۳۱. ترمذی کشفی، سیدمحمد صالح، مناقب مرتضوی، تهران، روزنه، بی تا.
۳۲. تقفی کوفی، ابراهیم بن محمد، الغارات، تحقیق السیدجلال الدین المحدث، طهران، سلسله انتشارات انجمن آثار ملی، بی تا.
۳۳. جزایری، نعمت الله بن عبدالله، النور المبین فی قصص الأنبیاء و المرسلین (قصص قرآن)، به ضمیمه زندگانی چهارده معصوم علیهم السلام، مصحح احمد سیاح، مترجم فاطمه مشایخ، تهران، ۱۳۸۱ق.
۳۴. جعفریان، رسول، «خاطره ای خواندنی درباره دستگیری آیت الله خویی در انتفاضه شعبانیه ۱۹۹۱»، در سایت خبرآنلاین، تاریخ درج مطلب: ۹ آبان ۱۳۹۱ش، تاریخ بازدید: ۱۲ اردیبهشت ۱۳۹۶ش.
۳۵. جمعی از علماء، الأصول الستة عشر، قم، دار الشبستری للمطبوعات، بی تا.

۳۶. جمعی از محققان، گلشن ابرار، پژوهشکده باقر العلوم ع، قم، نشر نور السجاد، ۱۳۸۶ هـ.ش.
۳۷. حر عاملی، محمد بن حسن، اثبات الهداة، به کوشش الاعلمی، بیروت، الاعلمی، ۱۴۲۵ ق.
۳۸. _____، أمل الآمل، نجف، مكتبة الأندلس، ۱۳۸۵ ق.
۳۹. _____، وسائل الشيعة الى تحصيل مسائل الشريعة، چاپ اول، قم، مؤسسة آل البيت لاحياء التراث، ۱۴۰۹ ق.
۴۰. حرزالدین، محمد حسین، معارف الرجال فی تراجم العلماء و الادباء، قم، مكتبه آیه الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۴۰۵ ق.
۴۱. حرزالدین، محمد، مرآة المعارف فی تعیین مرآة العلویین و الصحابة، قم، سعید بن جبیر، ۱۳۷۱ ش.
۴۲. حسینی طهرانی، سید محمد حسین، روح مجرد، مشهد، بی جا، ۱۴۲۷ ق.
۴۳. _____، مهر تابان، مشهد، ۱۴۲۳ ق.
۴۴. حکیم، حسن عیسی، المفصل فی تاریخ النجف الاشرف، قم، مكتبه الحیدریه، ۱۳۷۵ ش.
۴۵. الخلیلی، جعفر، موسوعة العتبات المقدسة، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۹۸۷ م.
۴۶. خوانساری، میرزا محمدباقر، روضات الجنات فی أحوال العلماء و السادات، قم، اسماعیلیان، ۱۳۹۰ ق.
۴۷. دوانی، علی، سیری در زندگی شیخ طوسی، هزاره شیخ طوسی، تهران، مؤسسه انتشاراتی امیرکبیر، ۱۳۶۲ ش.

۴۸. _____، مفاخر اسلام، چاپ دوم، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۹ش.
۴۹. _____، نهضت روحانیون ایران، تهران، ۱۳۶۰ش.
۵۰. دیلمی، حسن بن محمد، ارشاد القلوب، به کوشش سیدهاشم، دار الاسوه، ۱۴۱۷.
۵۱. ذهبی، محمد بن احمد، تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الأعلام، تحقیق عمر عبدالسلام تدمری، چاپ دوم، بیروت، دار الكتاب العربی، ۱۴۱۳.
۵۲. ربانی، محمد حسن، فقه و فقهای امامیه در گذر زمان، تهران، چاپ و نشر بین الملل، ۱۳۸۶ش.
۵۳. رجبی، محمد حسن، زندگینامه سیاسی امام خمینی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۱ش.
۵۴. سایت دفتر آیت الله حاج شیخ جواد تبریزی.
۵۵. سبحانی، جعفر، موسوعة طبقات الفقهاء، قم، مؤسسه امام صادق، ۱۴۱۸ق.
۵۶. سنائی غزنوی، مجدود بن آدم، حدیقه الحقیقه و شریعه الطریقه، تهران، نشر آزامهر، ۱۳۸۱ش.
۵۷. شریف الرضی، محمد بن حسین، ترجمه و شرح نهج البلاغه، علی نقی فیض الاسلام، چاپ پنجم، تهران، مؤسسه چاپ و نشر تألیفات فیض الإسلام، ۱۳۷۹ش.
۵۸. شریف رازی، محمد، گنجینه دانشمندان، تهران، کتابفروشی اسلامی، ۱۳۵۲ش.

٥٩. شعيرى، تاج اللّين، جامع الأخبار، قم، رضى، ١٣٦٣ش.
٦٠. شوشترى، عبداللطيف، تحفة العالم، به كوشش صمد موحد، تهران، ١٣٦٣ش.
٦١. شوشترى، قاضى نورالله، مجالس المؤمنين، تهران، كتابفروشى اسلاميه، ١٣٦٥ش.
٦٢. شهيد اول، محمد بن مكى، المزار، محقق مدرسه امام مهدى (عج) / موحد محمد باقر ابطحى اصفهانى، ناشر مدرسه امام مهدى (عج)، قم، ١٤١٠ق.
٦٣. شهيد ثانى، زين الدين بن على، منية المرید فى ادب المفيد و المستفيد، قم، الاعلام الاسلامى، بى تا.
٦٤. شيخ صدوق، محمد بن على، الاعتقادات فى دين الامامية، چاپ غلام رضا مازندراني، قم، ١٤١٢ق.
٦٥. _____، الأمالى، چاپ ششم، تهران، كتابچى، ١٣٧٦ش.
٦٦. _____، خصال، مصحح على اكبر غفارى، چاپ اول، قم، جامعه مدرسين، ١٣٦٢ش.
٦٧. _____، علل الشرايع، به كوشش بحر العلوم، نجف، المكتبة الحيدريه، ١٣٨٥ق.
٦٨. _____، من لا يحضره الفقيه، تحقيق السيدحسن خراسان، بيروت، دارالاضواء، ١٤٠٥ق.
٦٩. طبرسى، فضل بن حسن، إعلام الورى بأعلام الهدى، تصحيح و تعليق على اكبر غفارى، بيروت، دار المعرفة، ١٣٩٩ش.
٧٠. _____، مجمع البيان فى تفسير القرآن، مقدمه محمدجواد بلاغى،

ناصر خسرو، تهران، ۱۳۷۲ش.

۷۱. طبری، محمدبن جریر، **تاریخ الطبری** (تاریخ الامم و الملوک)، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۸ق.

۷۲. طوسی، محمد بن حسن، **الفهرست**، تحقیق جواد قیومی، بی جا، نشر الفقاهه، ۱۴۱۷ق.

۷۳. _____، **أمالی**، قم، منشورات مکتبه الداوری و دارالثقافة لطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۱۴ق.

۷۴. _____، **تهذیب الأحكام** (تحقیق خراسان)، مصحح خراسان، حسن الموسوی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، ۱۴۰۷ق.

۷۵. _____، **تهذیب الاحکام**، تحقیق خراسان، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۰۶ق.

۷۶. _____، **مصباح المتهجد و سلاح المتعبّد**، مؤسسه فقه الشیعیه، بیروت؛ ۱۴۱۱ق.

۷۷. عقیقی بخشایشی، عبدالرحیم، **فقه‌ای نامدار شیعه**، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی، بی تا.

۷۸. عیاشی، مسعود بن عیاش، **تفسیر العیاشی**، تهران، مکتبه علمیه، ۱۳۸۰ش.

۷۹. غلامی، طاهره، «نگاهی به نخستین تفسیر جامع و کامل جهان تشیع»، **مجله دین**، شماره ۱۷۶، خرداد ۱۳۹۱ش، ص ۸۴ - ۸۷.

۸۰. قائدان، اصغر، **عتبات عالیات عراق**، چاپ چهارم، نشر مشعر - تهران، ۱۳۸۷.

۸۱. قزوینی، حمید، «آثار و بازتاب‌های شهادت آیت الله حاج آقا سید مصطفی خمینی»، **مجموعه مقالات کنگره شهید آیت الله سید مصطفی خمینی**.

۸۲. قمی، عباس، الفوائد الرضویة، تهران، کتابخانه مرکزی، ۱۳۲۷ش.
۸۳. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، به کوشش غفاری، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۵ش.
۸۴. کمونه حسینی، عبدالرزاق، آرامگاه‌های خاندان پاک پیامبر و صحابه و تابعین، مترجم عبدالعلی صاحبی، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۱ش.
۸۵. گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایة الطالب فی مناقب امیرالمومنین علی بن ابی‌طالب، نجف، بی‌جا، ۱۳۵۶ق.
۸۶. ماهر، سعاد محمد، مشهد الامام علی فی النجف و ما به الهدایا و التحف، قاهره، دار المعارف، ۱۹۶۹م.
۸۷. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار، تحقیق: جمعی از محققان، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۸۸. _____، زاد المعاد - مفتاح الجنان، محقق: علاء‌الدین اعلمی، چاپ اول، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۲۳ق.
۸۹. مجلسی، محمد تقی، لوامع صاحبقرانی، قم، اسماعیلیان، ۱۴۱۴ق.
۹۰. مدرس تبریزی، محمد علی، ریحانة الادب فی تراجم المعروفین بالکنیة او اللقب، تهران، خیام، ۱۳۶۹ش.
۹۱. مسعودی، علی بن حسین، مروج الذهب ومعادن الجوهر، تحقیق و تعلیقه سعید محمد اللحام، بیروت، دار الفکر، ۱۴۲۱ق.
۹۲. مسلمی، محمد حسین بن علی، تاریخ النجف الأشرف، قم، دلیل ما، ۱۳۸۵ش.
۹۳. معلم حبیب آبادی، محمد علی، مکارم الآثار، ج ۷، اصفهان، ۱۳۷۴ش.
۹۴. معین، محمد، فرهنگ فارسی، چاپ سوم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۶ش.

۹۵. مفید، محمد بن محمد، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، تحقیق مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
۹۶. _____، المقنعة: قم، نشر الاسلامی، ۱۴۱۰ق.
۹۷. _____، کتاب المزار (مناسک المزار)، تحقیق محمداقر ابطحی، قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
۹۸. مقدس، احسان، راهنمای اماکن زیارتی و سیاحتی در عراق (ویژه کارگزاران حج و زیارت)، چاپ سوم، تهران، مشعر، ۱۳۸۸ش.
۹۹. مهدی پور، «اماکن زیارتی منتسب به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف (بخش: وادی السلام و پیشینه آن)»، مجله انتظار موعود، شماره ۱۱ و ۱۲، ۱۹ دی ماه ۱۳۹۱.
۱۰۰. میرآقائی، سیدهادی و موسوی اصفهانی، سیدجعفر، حیات جاودانی، قم، رستگار، ۱۳۸۵ش.
۱۰۱. میرفان، صابرینا و گلیف، روبرت و شاتلا، جیرالدین، النجف (تاریخ و تطور المدينة المقدسة)، عراق، الوراق، ۲۰۱۶م.
۱۰۲. میری، سیدعباس، نگاهی به حیات علمی و آثار قلمی شهید آیت الله سید مصطفی خمینی، تهران، موسسه نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۱۰۳. ناصرالدین شاه، سفرنامه ناصرالدین شاه به عتبات، تهران، سنایی، ۱۳۶۳ش.
۱۰۴. النجار، عبدالوهاب، قصص الانبياء، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۶ق.
۱۰۵. نوری، حسین، دارالسلام فیما يتعلق بالرویا و المنام، بیروت، دارالبلاغه، ۱۴۲۷ق.